



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

شماره پرونده ها :

140109920006336385

بسمه تعالی

فرجام خواهان: 1- آقای سید صالح میر هاشمی بلطاقی فرزند سید کاظم با وکالت آقای محمد مالمیر و آقای سید صابر محمدیان 2- آقای مجید کاظمی شیخ شبانی فرزند محمد رضا با وکالت آقای مهرداد عطاپور و آقای امین شیریان 3- آقای سعید یعقوبی کرد سفلی فرزند کر معلی با وکالت آقای محمد رضا انصافداران 4- آقای امیر نصر آزادانی فرزند محمد با وکالت آقای مهدی نصر اصفهانی

فرجام خواسته: دادنامه شماره 5441 مورخ 1401/10/17 صادره از شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان

مرجع رسیدگی: شعبه نهم دیوان عالی کشور

هیئت شعبه آقایان: قاسم مزینانی (رئیس) و سید مجید حسینی نیک: (عضو معاون) و

سید ابوالحسن هاشمی امامزاده: (عضو معاون)

خلاصه جریان پرونده:

با توجه به محتویات پرونده، در پی اغتشاشات و ناآرامی های مهر و آبان سال جاری از سوی سرسپردگان بیگانگان اجانب در مورخ ی 1401/8/25 تجمع کنندگان غیر قانونی اغتشاشات روز چهارشنبه در منطقه فلکه نگهبانی خانه اصفهان، اغتشاشگران با استفاده از سلاح گرم سه نفر از نیروهای جان برکف مقاومت بسیج و فراجا را به شهادت رسانیده که یک نفر از آشوب طلبان برانداز که در میان اغتشاشگران نقش فعالی داشته شناسایی و توسط نیروهای اطلاعاتی و عملیاتی دستگیر گردیده است. شخص دستگیر شده به نام سهیل جهانگیری در تحقیقات انجام شده از نامبرده، عنوان کرده شخصی بنام سعید یعقوبی بیان داشت که اغتشاشات بایستی به صورت مسلحانه ادامه پیدا کند و خودش قول تأمین سلاح را برای بکارگیری در مقابل نیروهای امنیتی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در اغتشاشات را داد وی افزوده، صورت آقای صالح میر هاشمی بر اثر شلیک ساچمه زخمی بوده که در منزلمان توسط خواهرم پانسمان گردیده و سپس صالح با عمویش بنام محمد میر هاشمی تماس برقرار کرده و بعد از آن از قسمت در پشتی منزل متواری شده است. در ادامه پیگیریهای صورت

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

گرفته که تماماً تحت دستورات و آموزشهای لازم از سوی مقام قضایی بوده، مأمورین امنیتی دریافته اند که صالح میرهاشمی به اتفاق فردی بنام امیر نصر آزادانی حین فرار از اصفهان در تاریخ 1401/8/26 در محدوده های شهرستان میمه مورد شناسایی واقع و دستگیر گردیده اند. اظهارات آقای صالح میرهاشمی در تحقیقات نزد ضابطین : وی عنوان نموده است با قصد و هدف مقابله با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و اقدام علیه امنیت داخلی دسته و گروهی تشکیل داده و با همکاری تعدادی از زیر گروه ها و مرتبیین خود در اغتشاشات مورخ 1401/8/25 اقدام به مسدود کردن فلکه نگهبانی با تعدادی لاستیک و با ایجاد سر و صدا و شعار دادن و ایجاد ناامنی و نهایتاً با مأمورین امنیتی به طور مسلحانه درگیری نموده اند. وی همچنین اقرار به خرید یک قبضه اسلحه کلت کمری جنگی 9 میلیمتری با مارک USA از شخصی در غرب کشور نموده است. نامبرده از این کلت در اغتشاشات و درگیری با نیروهای بسیجی و فراجا استفاده کرده و سپس آن را در پاتوقش اصطبل اسب آقای محمد جهانگیری (عموی سهیل) در زیر زین موتورسیکلت جاساز و مخفی کرده که در بازرسی صورت گرفته علی الظاهر، توسط فردی جابجا شده است. در گزارش سازمان اطلاعات سپاه استان اصفهان چنین آمده است که برابر بررسی ادله دیجیتالی انجام شده، مشخص و مسلم گردیده که آقای سید صالح میرهاشمی در ماه های اخیر با سرپل گروهک تروریستی منافین کوردل در ارتباط بوده و از سوی سرپل یاد شده از وی خواسته شده که گروهی برای انجام اقدامات ضد امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران در استان اصفهان تشکیل بدهد. سید صالح به سرپل اظهار نموده که در حال حاضر مسلح به یک قبضه کلت کمری است. گروهک کوردل و تروریستی منافقین به سید صالح مأموریت داده تا اماکن امنیتی و مهم را شناسایی نماید، که از سوی نامبرده اقداماتی در این رابطه صورت گرفته است. از آقای مهدی مشایخی یکی دیگر از اغتشاشگران تحقیق شده که وی اظهار نموده: بنده در جریان اغتشاشات و آشوبگری های 1401/8/25 نقشی نداشته و برای سرزدن به اقوام همسرم آمده که با آقایان سید صالح میرهاشمی و سهیل جهانگیری ناخواسته وارد یک جریان شدم، زیرا صالح و امیر نصر آزادانی به منزل ما آمدند که صالح گفت شخصی بنام مجید با اسلحه کلاشینکف در آشوب و بلوای 1401/8/25 به سمت مأمورین شلیک می کرده است. وی در حین صحبت به اسامی افرادی از جمله سعید یعقوبی، فرشاد، مجید و حمید اشاره می کرد که در درگیری ها و اغتشاشات حضوری فعال داشته اند. آقای مشایخی می گوید سوال کردم آیا جابر هم در این درگیری ها با شما بود که گفتند نه ایشان نبود. (صحت و سقم اظهارات آنها را نمی دانم) صالح و امیر در اظهاراتشان بیان کردند که در درگیری ها چند نفر از نیروهای وابسته به نظام و امنیتی تیر خوردند و یکی از آنها لباسش با دیگر مأمورین متفاوت بود. وی در ادامه گفته است، آقای سید صالح علی الظاهر تا آخرین تیرهایش را هم در درگیری شلیک کرده چرا که به او

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

گفتم چگونه از محل درگیری ها خارج شدید. وی گفت دیگر فشنگی برایم نمانده بوده و در حین فرار الکی به سوی مأمورین وانمود به شلیک می کرده که از یک کوچه خارج شده و به منزل عمه اش خانم سارا جهانگیری رفته اند و در منزل عمه اش مورد مداوای جراحاتی که داشته قرار گرفته و پانسمان شده و سپس از آنجا (درب پشتی) به صحرا متواری شده که عمویش آقای محمد میرهاشمی به سراغشان رفته است. چون آخر وقت شده بود همه خوابیدیم و صبح متوجه شدیم که پسر عمه اش بنام سهیل دستگیر شده و سید صالح سریعاً فوراً سیم کارتش را از گوشی موبایل خارج نموده تا ردیابی نگردد. در عقیب آن همگی به منزل خواهرم رفتیم که توسط عمویش خودرو 206 اس دی متعلق به مادرش را به او تحویل نموده که صالح به همراه امیر نصر به مقصد شمال کشور حرکت کردند. سپس خانواده صالح به لحاظ اینکه گوشی را جواب نمی دادند از من خواستند که با وی تماس گرفته و خبری به آنها بدهم که چندین بار تا ساعت 2 بامداد با تلفن امیر نصر تماس گرفتم ولی موفق به ارتباط نشدم. ضمناً آقای امیر نصر حدود ساعت: 10 شب به من زنگ زد که گفت تماس گرفته بودی و چون صدای ضبط زیاد و بلند بود، متوجه نشدیم و بعد گوشی خاموش شد و بعد از روشن کردن دیگر جواب ندادند. وی (آقای مشایخی) مجدد اظهار داشته که سید صالح در شب نشینی که داشتیم تکرار کرد سعید یعقوبی دارای سلاح کلت در درگیریها و اغتشاشات بود و با آن هم به طرف مأمورین شلیک نموده است. بنده بی گناه هستم و هیچگاه قصد فرار نداشته ام و در یک عمل انجام شده قرار گرفته بودم و علی رغم اینکه به من گفتند چند روزی اصفهان را ترک نمایم ولی چون نقشی در درگیری و آشوب و بلوا نداشتم اینکار را نکردم. همچنین آقای سهیل جهانگیری در خصوص اقدامات سید صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی بیان داشته است. وقتی از باشگاه بدنسازی آمدم، صلاح و سعید را در بنگاه دیدم و با هم در مورد اعتراضات صحبت می کردیم. صالح گفت اعتراضات همش در شهر هست و فایده نداره و سعید گفت اگر این طرف شهر بیرون بریزید همه آنها تفنگ می آورند و درگیری مسلحانه خواهد بود. بعد سعید از من خواست هر چه می توانم لاستیک جمع آوری کنم و من هم هر چقدر لاستیک فرسوده در گوشه و کنار خیابان می دیدم برداشته و به خانه می بردم در روز اغتشاشات /1401/8/ 25 صالح به من زنگ زد که چند تا لاستیک جور کردی که گفتم چند تایی هست بعد صالح به منزلمان رفته بود و لاستیک ها را از خانه برداشته و به محل درگیری ها برده بود تا آتش بزند و ایجاد راه بندان و مسدود کردن خیابان را بنمایند. وقتی من به فلکه نگهبان رسیدم مشاهده کردم که صالح در حال کوکتل مولوتف پرت کردن به سمت مأمورین امنیتی می باشد و لاستیک را هم آتش زده بود و خیابان مسدود بود، با سعید یعقوبی بچه محل هستیم و خود او و خانواده اش را می شناسم. صالح و سعید هر دو نفرشان افرادی شرور و از اراذل و اوباش می باشند. بنده در مشاهداتم دیدم که یک نفر

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا آلَهُوَيَ أَنْ تَغْدُلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

با سلاح کلت تیراندازی می کرد و فردی که با کلاش شلیک می نمود از زمان رسیدن من به محل اغتشاشات تا زمانی که از آنجا رفتم ، او مرتب شلیک به سوی مأمورین می نمود. که من از محل فرار کردم و فردی هم با کلت کمری شلیک می نمود و به دیوار تکیه کرده و به سمت مأمورین شلیک می کرد. در ادامه آقای امیر نصر آزادانی در خصوص فعالیت های آقایان سید صالح میرهاشمی، سعید یعقوبی و مهدی مشایخی در اغتشاشات چنین گفته است. بنده با صالح از طریق مهدی مشایخی آشنا شدم. بعد صالح به من گفت ما یک گروهی برانداز هستیم که چند نفرمان مسلح به سلاح های گرم می باشیم و در اغتشاشات فعالیت داریم و تجمعات زیر نظر یک خانم هماهنگی می شود. بعد که در یکی دو تجمع اغتشاشگران، صالح را فردی فعال دیدم به وی اعتماد کردم. عصر روز چهارشنبه (زمان وقوع اغتشاشات در فلکه نگهبانی اصفهان) حدود ساعت 7 بعد از ظهر به سمت فلکه محل تجمعات و آشوب رفته که دیدم آنجا شلوغ است من نیز تعدادی لاستیک و مقادیری مواد ناریه و انفجاری (ترقه) برداشتم بعد ترقه ها را ترکاندم و یک عدد هم به یک دختر دادم که او هم ترکاند. مأمورین که حمله کردند و گاز اشک آور زدند ، من فرار کردم و به یک کوچه که آخرش بن بست بود، رفته و چون در یک خانه باز بود، من داخل آنجا شدم و بعد از مدتی بیرون آمدم که چون شلوغ بود دوباره وارد همان خانه شدم بعداً مادرم به همراه شوهر خاله و خاله ام آمدند که مرا سوار ماشین کردند و رفتیم منزلمان ، بعد به خانه مهدی مشایخی رفتم که امیر و صالح و چند نفر دیگر آنجا بودند که مشاهده کردم صالح سر و دست و پاهایش تیر خورده است . بعد صالح صحبت کرد که چون وسط مأمورین گیر می کنند، مجبور می شوند اسلحه بکشند و یک نفر اسلحه کلاش داشته و به طرف مأمورین تیراندازی نموده اند و... در ادامه تحقیقات از آقای سید صالح میرهاشمی تحقیق شده که بیان نموده مجید میرکاظمی با اسلحه کلاش به سوی مأمورین شلیک کرد و ماهم شعار می دادیم و شروع به آتش زدن لاستیک ها کردیم و امیر نصر آزادانی نیز نصف گونی حاوی ترقه آورد و بین مردم تقسیم کرد که با حضور مأمورین ، اغتشاشگران همه ترقه ها را به طرف آنها پرتاب و ترکاندند. در سری بعدی که مأمورین آمدند من رو به عقب برگشتم که سعید یعقوبی گفت که مجید هم آمد و از سمت چپ من شروع به تیراندازی با اسلحه کلاش نمود و بعد از مجید، بهزاد یعقوبی با کلت شروع به تیراندازی نمود و متعاقب آن سعید یعقوبی از کنار دیوار تیراندازی با اسلحه کلت نمود که همه تیراندازی ها به طرف مأمورین بوده و بعد متواری شده و ما به خانه عمه ام رفتیم. در آنجا من سجاد و سهیل و دوست سهیل حضور داشتیم. یک مرد غریبه به آنجا آمد و به من گفت بیا شما را ببریم دکتر که بعد از رفتن وی ، خواهر سهیل گفت او مأمور بود که من از آنجا به خانه خاله ام رفته و بعد عمویم محمد دنبالم آمد و با او رفتم خانه اش . وی در ادامه افزوده سعید یعقوبی از قبل همیشه مسلح می چرخید (کلت کمری داشت) زیرا یک

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارك شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»



دیوان عالی کشور

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

دفعه در نمایشگاه بغل پمپ بنزین نبرد با شخصی بنام محسن سرلک دعوایش شد که به همراه بهزاد یعقوبی و فرزاد به آنجا رفتند و تیراندازی هوایی کرده و فرار نمودند. و اما در خصوص شرکت در اغتشاشات 1401/8/25 با اشخاصی به اسامی سعید یعقوبی، میثم که پلیس است و نیامد، محسن ذاقول که او هم نیامد، سهیل جهانگیری و امیر نصر آزادانی تماس گرفتم که دو نفرشان نیامدند و بقیه آمدند و به محل تجمعات رفتیم نامبرده عنوان نموده از اول اغتشاشات مجید میرکاظمی مدام می گفت که یک برویم که شلوغ باشد و شما هم شلوغ کنید تا من بتوانم با کلاش بهشون (مأمورین) تیراندازی کنم. مجید مدتی قبل از اغتشاش مورخ 1401/8/25 برای درگیری مسلحانه با مأمورین برنامه ریزی کرده بود. مجید کاظمی هم به طرف مأمورین در اغتشاشات فوق تیراندازی کرده و می گفت فرار می کنم و به ترکیه می روم. تا آخر شب آنجا بودیم (بعد از درگیری ها) و صبح متوجه شدیم که سهیل دستگیری شده و من (صالح) به بچه ها گفتم همگی سیم کارت گوشی هایتان را در بیاورید تا ردگیری نشوید و خودم هم سیم کارت خودم را هم از گوشی خارج نمودم. بنده به مجید میرکاظمی و سعید یعقوبی گفتم که با سرپل منافقین صحبت کرده ام که به من گفتند فردا شب اغتشاشات را راه اندازی کنید و من این را گفتم که مجید دست بردارد چون می گفت همین امروز آشوب و بلوا ایجاد کنیم. همچنین گفتم که به سازمان منافقین گفته ام ما سلاح داشته و آماده ایم گفته ام تا رسیدن به هدف، راهمان یکی است و بعد جدا می شویم. سرپل منافقین گفت حاضرید امشب جایی را به آتش بکشید که گفتم بله و عکسهای کوکتل ها را بردایش فرستادم. سرپل منافقین به من گفت از کارهای کوچک شروع کنید، مثل آتش زدن بنر و تابلو تا سپس به کارهای بزرگ دست بزنید و فیلم و عکس از اقدامات خود تهیه و برای ما بفرستید. سرپل گفت جایی را بلد هستید که آتش بزنید که من هم سه مکان را به او معرفی کردم مثل حوزه لیمجیر، پایگاه خانه اصفهان و پایگاه بسیج که یک فیلم هم از خانه اصفهان تهیه و برایش فرستادم. بعد به سرپل گفتم افرادی را به ما معرفی کنید که گفت اشتباهه و نمیشود و یک متن برایش فرستادم که کلاً جواب ندادند. همچنین به سرپل گفتم که ما یک تیم پنج نفر مسلح به سلاح گرم تشکیل داده ایم. وی افزوده در خصوص هزینه های مالی به سرپل منافقین گفتم که ما از نظر مالی و پشتیبانی هیچ احتیاجی به کسی نداریم و خودمان هر چیزی لازم باشد تأمین می کنیم. در خصوص تیم پنج نفر به مرتبط منافقین گفتم، این تیم یک کلاش که مال مجید است و دو قبضه کلت دارد که متعلق به من و سعید یعقوبی است. همان طور که گفتم ما تیم پنج نفره بودیم ولی سه قبضه سلاح بیشتر نداریم که سعید کلاش و من و سعید یعقوبی هر یک یک قبضه کلت کمری داشتیم. نامبرده در خصوص پیوستن امیر نصر آزادانی به این تیم برانداز مسلح بیان داشته، هنگامی که در کویر نشسته بودیم که دوستان از شیرین کاری های امیر تعریف می کردند که خیلی کله خرابه و فلان کار را انجام داده و غیره، فردای

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارك شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

آن روز که جمعه بود ، قبل از رفتن به کویر که امیر در حال تعریف کردن بود به او گفتم آیا تو به جایی وصل هستی که گفت نه و از من پرسید شما چطور که گفتم نه ولی بچه ها یک کارهایی دارند انجام می دهند با من تماس بگیرد (منظور از شیرین کاری ترقه درست کردن و بردن به اغتشاشات و خوردن ساچمه توسط مأمورین و .. می باشد) افراد دیگری که در تجمعات دستگیر شده اند در خصوص فعالیت‌های فرجام خواهان ها مطالب مهمی در خصوص فعالیت‌هایشان در اغتشاشات بیان کرده اند که تمامی تک نویسی ها در پرونده ضمیمه بوده و نیازی به شرح آنها نمی باشد از جمله اینکه شخصی بنام فرامرز گفته است شنیده ام سعید یعقوبی به طرف مأمورین شلیک کرده و یکی از آنها را کشته است که همانجا مجید کاظمی هم گفته است من هم شلیک کرده ام و بطرف مأمورین تیراندازی می نمودم و می خواهم فرار کنم و فرار شده فرامرز هماهنگی لازم برای فرار مجید را انجام دهد و ایضاً شخص دیگری بنام سید حسین کاظمی گفته است که سعید یعقوبی مسلح در اغتشاشات شرکت داشته و بر اثر تیراندازی وی به سمت مأمورین یک نفر کشته شده است. سعید قبلاً هم سابقه درگیری مسلحانه داشته که با مجید و صالح به محل درگیری رفته و آنجا تیراندازی کرده و فرار نموده اند. سپس آقای سعید یعقوبی عنوان کرده است، صالح میرهاشمی زنگ زد به خانه ساعت 20/30 بود که گفت بیا سر نگهبانی وقتی به آنجا رسیدم اغتشاشات شروع شده بود مجید زنگ زد و گفت کجائی گفتم سر نگهبانی و دارم می آیم بعد که او را دیدم یک کلاش در دست داشت و همینکه به هم نزدیک شدیم مأمورین به طرفمان تیراندازی کردند و مجید به سمت خیابان دوید و شروع به تیراندازی کرده و چند نفر دیگر هم با کلت شلیک می کرد و صالح و سهیل هم قبل از تیراندازی وسط خیابان آتش روشن کرده و شعارهای ساختار شکنانه می دادند و متعاقباً مجید فرار کرده و بعد از تماس مجددش با هم رفتیم شام خوردیم و پس از پیگیری متوجه شدیم که بر اثر تیراندازی چند نفر از مأمورین مجروح شده و گویا یک نفر هم کشته شده است همان شب اغتشاشات مجید به من (سعید یعقوبی) معترض شد که چرا شلیک نکردی که به او گفتم سلاحم گیر کرده بود (اظهارات وی تکذیب می شود زیرا مابقی اعضاء تیم گفته اند که سعید با کلت مرتب شلیک می نمود. عضو ممیز) وی اظهار نموده که در سال 96 یک قبضه اسلحه کلت کمربندی از مهدی صالحی خریداری نموده است (غیر مجاز) و بعد از درگیری در محله نبرد - امام خمینی (ره) در مغازه محسن سر لک حدود ساعت 12/30 با توجه به تیراندازی هوائی غیر مجاز و اینکه پرونده مفتوح در این رابطه دارم، سلاح تحویل مقام قضایی گردید. س- آیا تاکنون به عنوان واسطه اقدام به تأمین سلاح جنگی غیر مجاز برای کسی نموده اید . بله برای مجید کاظمی ولی تاکنون هیچ سلاحی خریداری نکرده ام چون فقط به خاطر این بود که مرا تحویل نگیرد. س- شما عکس سلاح برای مجید کاظمی ارسال نموده اید چه می گوئید. بلی- انجام دادم و قبول می کنم و متعاقب آن در

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارك شهر- ساختمان كاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

خصوص نحوه شلیک مجید کاظمی در اغتشاشات را شرح نموده که به چه نحوی با سلاح کلاش به سمت مأمورین شلیک می نموده و برادرش مهدی کاظمی تیر با سلاح کلت به سمت مأمورین شلیک می نمود. وی افزوده است که در فضای مجازی صفحه اینستاگرام متنی نوشته ام مبنی بر اینکه با فردی بنام حسین کاظمی تشکیل گروه مسلحانه داده اید، چه می گوئید. قبول دارم این متن را نوشته ام و حسین هم در جواب گفت یک تیم مسلح جور کنیم. وی مجدداً در پاسخ به این سوال که در خصوص تیراندازی با سلاح کلت در اغتشاشات 1401/8/25 توضیح دهید. گفته است قبول دارم من با سلاح کلت در اغتشاشات فلکه نگهبانی تیراندازی نمودم ولی تعداد شلیک هایم را به خاطر ندارم و سلاح متعلق به خودم می باشد. همچنین از سوی ضابطین از متهم آقای مجید کاظمی تحقیق صورت گرفته که وی اعلام نموده، سعید یعقوبی ساعت 20/30 بامان تماس گرفته و گفت امشب نگهبانی شلوغ است و سوار موتور شدم و اسلحه ام را برداشته و از ملک شهر به سمت نگهبانی رفتم، دوباره سعید تماس گرفت و گفت کجائی گفتم به زودی می رسم که گفت با مأمورین درگیر هستیم و بعد که به خیابان نبرد رسیدم به جلوی زمین فوتبال رفتم که مأمورین گاز اشک آور زده و اغتشاشات تمام شده بود و همه در حال فرار کردن بودند و من هم در حال فرار کردن 3 یا 4 تیر هوایی شلیک کردم و بعد فرار نمودم. بعد با سعید به ترمینال کاوه رفتیم و من بلیط خریدم و به کافه رفتیم غلیان کشیده و از حالت عادی خارج شده بودم و از من فیلم گرفته بودند و بعد سعید مرا به ترمینال رساند که سوار اتوبوس شده و به تهران به خانه خاله ام رفتم و بعد از دو روز دیگر به اصفهان بازگشتم که توسط مأمورین امنیتی فردای آن روز دستگیر گردیدم و مهدی برادرم بعد از یکی دو روز به تهران آمده و به خانه خاله امان رفته بود و اما اظهارات مجید کاظمی در خصوص اقدامات مسلحانه آقای سعید یعقوبی: وقتی آخر دیگری به محل اغتشاشات رسیدم و همه متواری شده یا در حال فرار بودند، من سعید را ندیدم بعد که سعید به دنبالم آمد و یک قبضه سلاح ترک مشکی داشت که نشان می داد و هیچ تیری نداشت و سعید گفت که اسلحه ام خراب است که گفتم اصلاً این سلاح تیر ندارد. سلاح وی حدود 15 تیر در خشابش جای می گیرد و نامبرده در اغتشاشات سلاح به همراه داشته و شنیده بودم که او قبلاً هم مسلح بوده و در روز اغتشاشات صورتش را با چفیه بسته بود و تمام فشنگ های سلاحش را شلیک کرده بود. حال خلاصه اظهارات متهمین به شرح ذیل خواهد آمد.

الف) اظهارات و اقرار و اعترافات سید صالح میرهاشمی:

1- اقرار به تشکیل دسته و گروه باهدف اقدام علیه امنیت داخلی کشور

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

2- حضور در اغتشاشات 1401/8/25 با تعدادی از مرتبطين و اعضای گروهش و مسدود کردن فلکه نگهبانی با لاستیک های تهیه شده که این اقدامات منجر به ایجاد ناامنی و درگیری با مأمورین شده است. 3- اقرار به تهیه و خرید یک قبضه سلاح کمری کالیبر 9 میلیمتری در ماه های گذشته که در این اغتشاشات مورد استفاده قرار داده است. 4- ارتباطات نامبرده با سرپل گروهک کوردل و تروریستی منافقین که از وی خواسته اند، با اعضای گروهش که مسلح نیز بوده اند اقدامات ضد امنیتی انجام دهد و اماکن با حساسیت بالا را شناسایی و مورد هدف خرابکارانه قرار دهند. 5- اقرار به تشکیل گروهی از ارادل و اوباش به نحو مسلحانه به قصد براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و این تیم و گروه مسلحانه متشکله به سرکردگی و سردهنگی صالح میرهاشمی بوده است. 6- فراخوان عوامل و اعضای گروه متشکله در مکانهای مشخص شده برای حضور فعال و اقدامات خرابکارانه جهت ایجاد ناامنی، رعب و وحشت در اغتشاشات و تحریک مردم علیه نظام. 7- حضور فعال در همه اغتشاشات صورت گرفته در اصفهان و حتی مکانهای دیگری که حاضر بوده، ضمن اینکه خودش به سمت پایگاه های نظامی، بسیجی و دولتی حمله ور شده و تخریب و به آتش می کشیده مردم را هم تشویق و تحریک به همین اعمال می نموده و تشویق به سر دادن شعارهای ساختارشکنانه

ب) اظهارات اقراریه و اعترافات آقای سعید یعقوبی:

1- واسطه گری برای تأمین سلاح جنگی از نوع کمری غیر مجاز از جمله برای سید مجید کاظمی و مهدی صالحی معروف به مهدی بندال که از عوامل موثر اغتشاشات سال 1396 بوده و در زندان مرکزی اصفهان به دلیل بیماری فوت شده خریداری کرده است.

2- در اغتشاشات محدوده خانه اصفهان در حالی که صورتش را با یک دستمال (چفیه) پوشانده بوده بنا به دعوت سید صالح میرهاشمی حضور داشته شرکت داشته است

3- سعید یعقوبی در اقراریه اش گفته است به عینه شاهد بوده که مجید کاظمی از سلاح کلاش در اغتشاشات استفاده کرده و دو خشاب کامل گلوله به سمت مأمورین شلیک نموده است.

4- آقای یعقوبی عنوان کرده پس از تیراندازی سید مجید کاظمی توسط فردی به نام احسان بلوچی متواری گردیده است. 5- در بررسی ادله دیجیتالی سعید یعقوبی (گوشی همراه) پیامک هائی با برخی از مخاطبینش در راستای خرید و فروش سلاح کمری همراه با تصاویر آن موجود میباشد.

6- اقرار صریح آقای یعقوبی مبنی بر فرد ضارب اصلی که منجر به شهید شدن شهیدان حافظ امنیت

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارك شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

مورخ 1401/8/25 سید مجید کاظمی است که پس از این اقدامات، آقای احسان بلوچی او را با موتورسیکلت با صورت های پوشیده ، فراری داده است و بعد که مجید با من تماس گرفت باهم در قلمستان دیدار کرده و بعد از صرف شام با هم به ترمینال رفته و بلیط خریداری نموده اند که پس از آن مجید به وسیله اتوبوس از اصفهان به شهر تهران متواری گردیده است. پس از انجام تحقیقات توسط ضابطین تحت نظارت و دستورات مقامات قضایی (بازپرس محترم شعبه یازدهم دادرسی عمومی و انقلاب (مجمع شماره یک) شهرستان اصفهان) و تفهیم اتهامات متهمین پرونده و اخذ آخرین دفاع که متهمین همان مطالبی که در فوق ذکرش رفته را بیان نموده که در همین رابطه ختم تحقیقات را اعلام به مبادرت به صدور قرار نهایی به شرح زیر نموده است.

دادستان و رئیس محترم دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان اصفهان

درخصوص اتهام 1- آقای سید صالح میرهاشمی بلطاقی فرزند سید کاظم متولد 1365/12/12 دارای محکومیت کیفری/ بازداشت با قرار بازداشت موقت از تاریخ 1401/8/27 در خصوص اتهامات در صلاحیت دادگاه انقلاب و قرار وثیقه 3میلیارد ریالی در خصوص اتهام حمل و نگهداری سلاح کلت کمری غیر مجاز متهم است به 1- سردستگی گروه مجرمانه (مبارزه افساد فی الارض و بغی) : (در حادثه تروریستی مورخ 1401/8/25 واقع در خانه اصفهان متهم سید صالح میرهاشم طی تماس با سایر اعضا گروه اقدام به هماهنگی با سایرین جهت شرکت در میدان می نماید و در میدان حضوری فعال داشته است و دست به اقدامات خرابکارانه زده است) (مبارزه افساد فی الارض و بغی) با این توضیح که در گروهی که وی تشکیل داده است و هماهنگی نموده اتفاقات به شرح آتی رخ داده است سردستگی در مبارزه) کشیدن سلاح به قصد جان مردم و ارباب آنها (در دو فقره) الف- حادثه تروریستی مورخ 1401/8/25 واقع در میدان نگاهیانی محله خانه اصفهان که منجر به شهادت 3نفر از نیروهای محافظ امنیت و زخمی شدن تعداد دیگری از آنها شده است و ب- حضور در اغتشاشات مورخ 10مهر در منطقه صنعتی شاپور جدید اصفهان به همراه متهمین دیگر مجید کاظمی و سعید یعقوبی و تیراندازی بوسیله نامبردگان بنا بر اقرار صورت گرفته (صفحه 395 پرونده سردستگی در افساد فی الارض) جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد که موجب اخلاص شدید در نظم عمومی کشور و ناامنی گردیده است . سردستگی در بغی) وی با تشکیل گروه مسلحانه و استفاده از سلاح به قصد مقابله با اساس نظام جمهوری اسلامی اقدام به قیام مسلحانه نموده است لازم به ذکر است که وی نیز در میدان نگاهیانی خانه اصفهان حامل یک قبضه سلاح کلت کمری بوده است گرچه نامبرده منکر می باشد اما با توجه به اظهارات سایر متهمین و اقرار خود وی مبنی بر داشتن یک قبضه سلاح کلت کمری که پس از حادثه

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارك شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

روی داده طبق مدارک موجود اسلحه از محل جاساز خود خارج شده است و بوسیله یکی از بستگان نامبرده پنهان شده که طی گزارش و تحقیقات ضابطین این موضوع مشخص شده است و حتی وی در پیامکهای موجود اعلام نموده است که سلاح مربوطه را از محل مخفی آن خارج نمایند که متأسفانه تاکنون سلاح مذکور کشف نشده است و ترغیب و تحریک افراد به ارتکاب جرم و تسهیل آن به گونه ای که متهم مجید کاظمی اقدام به تیراندازی به مأمورین و شهادت سه تن از نیروهای حافظ امنیت گردیده است . 2- محاربه از طریق کشیدن سلاح کلت کمری در میدان به شرح ذکر شده 3- تشکیل و اداره دسته جات و گروه مجرمانه به قصد بر هم زدن امنیت کشور (در حادثه تروریستی مورخ 1401/8/25 واقع در خانه اصفهان متهم سید صالح میرهاشم طی تماس با سایر اعضا گروه اقدام به هماهنگی با سایرین جهت شرکت در میدان می نماید 4- اجتماع و تبانی منتهی به جرایم ضد امنیت داخلی 5- عضویت و همکاری با گروهک منافقین موضوع ماده 499 قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب 1375 که نامبرده صراحتاً اقرار نموده است 6- حمل و نگهداری یک قبضه اسلحه کلت کمری 2- آقای سید مجید کاظمی شیخ شبانی فرزند سید محمد رضا متولد 1371/3/18 فاقد سابقه محکومیت کیفری بازداشت با قرار بازداشت موقت از تاریخ 1401/9/1 و وثیقه 500 میلیون تومانی از تاریخ 1401/9/7 متهم است به 1- محاربه از طریق کشیدن سلاح به قصد جان مردم و ارباب آنها در دو فقره الف- حادثه تروریستی مورخ 1401/8/25 واقع در میدان ننگهبانی محله خانه اصفهان که منجر به شهادت 3 نفر از نیروهای محافظ امنیت و زخمی شدن تعداد دیگری از آنها شده است و ب- حضور در اغتشاشات مورخ 10 مهر در منطقه صنعتی شاپور جدید اصفهان به همراه متهمین دیگر سید صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی و تیراندازی بوسیله وی در محل 2- افساد فی الارض از طریق جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور و ناامنی گردیده است. 3- بغی با این توضیح که وی با عضویت در گروه مسلحانه و استفاده از سلاح به قصد مقابله با اساس نظام جمهوری اسلامی اقدام به قیام مسلحانه در تاریخ 1401/8/25 و 1401/7/10 نموده است و منتهی به شهادت سه تن از نیروهای حافظ امنیت به نام های الف- شهید اسماعیل چراغی ریزی فرزند احمد ب- شهید محسن حمیدی فرزند اصغر ج- شهید محمد حسین کریمی دلپگانی فرزند حسینعلی شده است. 4- عضویت در دسته جات و جمعیت غیر قانونی به قصد بر هم زدن امنیت کشور 5- اجتماع و تبانی منتهی به جرایم ضد امنیت داخلی 6- حمل و نگهداری دو قبضه سلاح شامل کلت کمری و کلاشینکف و مهمات همراه 3- آقای سعید یعقوبی کوردسلفی فرزند کرملی متولد 1364/4/10 دارای سوابق کیفری متعدد بازداشت با قرار بازداشت موقت از تاریخ 1401/8/27 متهم است به 1- محاربه بدین توضیح که در حادثه تروریستی مورخ 1401/8/25 وی اقدام به کشیدن اسلحه و استفاده از کلت کمری به سمت

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارك شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

مأمورین و مردم نموده است. 2- بغی با این توضیح که وی با عضویت در گروه مسلحانه و استفاده از سلاح به قصد مقابله با اساس نظام جمهوری اسلامی اقدام به قیام مسلحانه کشیدن سلاح به قصد جان مردم و ارباب آنها (در دو فقره الف) حادثه تروریستی مورخ 1401/8/25 واقع در میدان نگهبانی محله خانه اصفهان که منجر به شهادت 3 نفر از نیروهای محافظ امنیت و زخمی شدن تعداد دیگری از آنها شده است و ب- حضور در اغتشاشات مورخ 10 مهر در منطقه صنعتی شاپور جدید اصفهان به همراه متهمین دیگر مجید کاظمی و سید صالح میرهاشمی و تیراندازی در محل 3- عضویت در دسته جات غیر قانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور 4- اجتماع و تبانی منتهی به جرایم ضد امنیت داخلی 5- حمل و نگهداری یک قبضه سلاح کلت کمری 4- آقای سهیل جهانگیری فرزند عبدالحسین متولد 1380/9/29 فاقد سابقه کیفری بازداشت با قرار بازداشت موقت از تاریخ 1401/8/27 متهم است به : 1- بغی با این توضیح که وی با عضویت در گروه مسلحانه به قصد مقابله با اساس نظام جمهوری اسلامی که دیگر اعضای گروه آقایان سید مجید کاظمی و سید صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی اقدام به قیام مسلحانه در تاریخ 1401/8/25 نموده اند که در این اقدام و بوسیله یکی از اعضا گروه سه تن از مأمورین امنیت به شهادت رسیده اند. 2- عضویت در دسته جات غیر قانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور 3- اجتماع و تبانی منتهی به جرایم ضد امنیت داخلی 4- معاونت در محاربه 5- آقای امیر نصر آزادانی فرزند محمد متولد 1374/11/18 فاقد سابقه کیفری /بازداشت از تاریخ 1401/8/27 با قرار بازداشت موقت متهم است به 1- بغی با این توضیح که وی با عضویت در گروه مسلحانه به قصد مقابله با اساس نظام جمهوری اسلامی که دیگر اعضای گروه آقایان سید مجید کاظمی و سید صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی اقدام به قیام مسلحانه در تاریخ 1401/8/25 نموده اند که در این اقدام و بوسیله یکی از اعضا گروه سه تن از مأمورین امنیت به شهادت رسیده اند. 2- عضویت در دسته جات غیر قانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور 3- اجتماع و تبانی منتهی به جرایم ضد امنیت داخلی 4- معاونت در محاربه 5- آقای امیر نصر آزادانی فرزند محمد متولد 1374/11/18 فاقد سابقه کیفری /بازداشت از تاریخ 1401/8/27 با قرار بازداشت موقت متهم است به 1- بغی با این توضیح که وی با عضویت در گروه مسلحانه به قصد مقابله با اساس نظام جمهوری اسلامی که دیگر اعضای گروه آقایان سید مجید کاظمی و سید صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی اقدام به قیام مسلحانه در تاریخ 1401/8/25 نموده اند که در این اقدام و بوسیله یکی از اعضا گروه سه تن از مأمورین امنیت به شهادت رسیده اند. 2- عضویت در دسته جات غیر قانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور 3- اجتماع و تبانی منتهی به جرایم ضد امنیت 4- معاونت در محاربه 6- آقای سید جابر میرهاشمی بلطاقی فرزند سید هاشم متولد 1373/2/19 فاقد سابقه کیفری آزاد با قرار وثیقه 500 میلیون تومانی متهم است به 1- عضویت در دسته

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْدُلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

جات غیر قانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور 2- اجتماع و تبانی منتهی به جرایم ضد امنیت داخلی (نامبرده در شب حادثه و در میدان حضور داشته است) 7- آقای سید حسین کاظمی شیخ شبانی فرزند سید محمد رضا متولد 1366/9/14 بازداشت از تاریخ 1401/9/1 با قرار کفالت 300 میلیون ریالی متهم است به: مساعدت در فراری دادن متهم از محاکمه (نامبرده به برادر خود سید مجید کاظمی که متهم اصلی می باشد جهت مخفی شدن کمک نموده است و متهم مجید کاظمی در اصطبل اسب وی مخفی شده بود) 8- آقای فرامرز صالحی فرزند امیرقلی متولد 1352/4/7 فاقد سابقه کیفری بازداشت از تاریخ 1401/9/1 با قرار کفالت 300 میلیون ریالی متهم است به : مساعدت در فراری دادن متهم از محاکمه (نامبرده نحوه مخفی و فرار را به متهم مجید کاظمی آموزش می داده است از جمله اقدام به تعویض خطوط سفید متعدد و همچنین هماهنگی جهت فرار متهم از کشور) 9- آقای مهدی مشایخی موجانی فرزند حسنعلی متولد 1374/4/5 فاقد سابقه کیفری بازداشت با قرار کفالت یک میلیارد ریالی متهم است به: مساعدت در فراری دادن متهم از محاکمه (نامبرده به متهم سید صالح میرهاشمی پس از ارتکاب بزه پناه داده و در منزل خود پنهان نموده است) 10- آقای ابوالفضل بادی اله فرزند عبدالله بازداشت از تاریخ 1401/9/1 با قرار کفالت 300 میلیون ریالی متهم است به ورود و اقامت غیر مجاز به خاک جمهوری اسلامی ایران و دلایل اتهام عبارتند از:

اقرار صریح تمامی متهمین : که متهمین 1- سید صالح میرهاشمی در صفحات 19 الی 22 و 461 الی 466 پرونده در حضور بازپرس نحوه هماهنگی با سایر متهمین که توسط خود وی صورت گرفته است و نحوه حضور در محل را با جزئیات و با دستخط خود بیان می نماید و صفحات مربوط به اظهارات و 2- اقرار متهم سید مجید کاظمی در حضور بازپرس صفحات 97 الی 99 و 445 الی 447 و 472 و 473 پرونده که متهم با دست خط خود به ذکر جزئیات و نحوه حضور و شلیک به شهدا با ذکر جزئیات بیان نموده است و صفحات مربوط به اظهارات و 3- اقرار متهم امیر نصر آزادانی در حضور بازپرس صفحات 34 و 33 و 469 و 470 پرونده و صفحات مربوط به 4- متهم سهیل جهانگیری در حضور بازپرس صفحات 45 الی 47 و 483 الی 485 پرونده و صفحات مربوط به اظهارات و اقرار 5- متهم سعید یعقوبی در حضور بازپرس صفحات 64 و 65 و 479 الی 480 پرونده و صفحات مربوط به اظهارات و اقرار متهم 6- مهدی مشایخی در حضور بازپرس صفحات 67 الی 69 و 486 الی 489 پرونده و صفحات مربوط به اظهارات و اقرار 7- متهم سید جابر میرهاشمی در حضور بازپرس صفحات 81 و 82 و 476 و 477 پرونده و صفحات مربوط به اظهارات و اقرار متهم 8- فرامرز صالحی در حضور بازپرس صفحات 86 و 87 و 468 پرونده و صفحات مربوط به اظهارات

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

و اقرار بر 9- متهم ابوالفضل بادی نزد بازپرس صفحات 90 و 91 پرونده صفحات مربوط به متهم 10- سید حسین کاظمی صفحات 93 و 94 و 474 و 475 پرونده با دستخط خود متهمین و دفاعیات بلاوجه برخی از نامبردگان 2- اظهارات شهود و مطلعین حادثه تروریستی در صفحات 193 الی 215 پرونده 3- گزارش پزشکی قانونی و بیان علت فوت شهدا و شرح معاینه جسد در صفحات 448 الی 453 پرونده و گزارش پزشکی قانونی مبنی بر اینکه تمامی متهمین دارای قوه تشخیص و تمیز هستند در صفحات 521 الی 529 پرونده 4- گزارش کارشناس سلاح و مهمات و تأیید این موضوع که تمامی شهدا بوسیله تیر سلاح کلاش به شهادت رسیده اند در صفحات 454 الی 459 پرونده 5- صورتجلسه بازسازی صحنه جرم و حضور متهمین در تیراندازی صورت گرفته در محل حادثه در صفحات 493 الی 498 پرونده که فیلم بازسازی صحنه نیز پیوست شده است. 6- مستندات و ادله دیجیتال موضوع مربوط به قبل و بعد از حادثه از جمله فیلم اخذ شده از متهم مجید کاظمی که در یک کافه بعد از اقدام تروریستی اقدام به ضبط فیلم می نماید و به بزه اقرار میکند و هم چنین پیامک های خارج شده از گوشی متهمین در صفحات 282 الی 297 پرونده 7- صورتجلسه دستگیری متهمین و صورتجلسه کشف دو سلاح کلاش و کلت کمری و مهمات از متهم مجید کاظمی و اقرار سید صالح میرهاشمی مبنی بر داشتن کلت کمری که بوسیله یکی از بستگان از محل خارج شده است. 8- سایر قرائن و امارات موجود در پرونده لذا بزه های انتسابی محرز بوده و با توجه به انطباق موضوع مانحن فیه با ماده / مواد 279 الی 288 و 126 و 130 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 و مواد 499 و 610 قانون مجازات اسلامی مصوب 1375 تعزیرات و ماده 6 قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز مصوب 1390 و ماده 15 قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب 1310 همچنین مستنداً به ماده 265 قانون آئین دادرسی کیفری مصوب 1392 با اصلاحات بعدی قرار جلب به دادرسی متهمین صادر و اعلام می گردد قرار صادره پس از تأیید دادستان قطعی است. دفتر، مقرر است پرونده برگ شماری در اجرای ماده 92 قانون اخیرالذکر امروز به نظر دادستان محترم برسد. در صورت موافقت و پس از تنظیم کیفرخواست به مرجع صالح ارسال گردد. و در خصوص سایر اتهامات آقایان سهیل جهانگیری و مهدی مشایخی و امیر نصر آزادانی دایر بر محاربه و در خصوص اتهامات دیگر آقای فرامرز صالحی و آقای حسین کاظمی دایر بر معاونت در محاربه معاونت در افساد فی الارض و معاونت در بغی و در خصوص اتهام دیگر آقای فرامرز صالحی دایر بر تمرد نسبت به مأمورین حین انجام وظیفه و عضویت در دسته جات به قصد برهم زدن امنیت کشور و در خصوص اتهام آقای سید حسین کاظمی دایر بر عضویت در دسته جات به قصد برهم زدن امنیت کشور و در خصوص اتهام دیگر مهدی مشایخی دایر بر عضویت در دسته جات به قصد برهم زدن امنیت کشور و در خصوص اتهام دیگر

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارك شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

آقای سید جابر میرهاشمی دایر بر بغی (عضویت در گروه مسلحانه) و معاونت در محاربه با توجه به تحقیقات صورت گرفته و اظهارات و دفاعیات قابل قبول نامبردگان و دیگر تحقیقات صورت گرفته نهایتاً به لحاظ فقدان ادله اثباتی کافی برای انتساب جرم به متهمین و مستنداً به اصل برائت مستنبط از اصل 37 قانون اساسی و نیز ماده 265 قانون آئین دادرسی کیفری مصوب 1392 قرار منع تعقیب صادر و اعلام می گردد قرار صادره پس از موافقت دادستان محترم وفق ماده 270 قانون موصوف ظرف ده روز پس از ابلاغ برای اشخاص مقیم ایران و ظرمف یک ماه برای افراد مقیم خارج از کشور به تقاضای شاکی قابل اعتراض در محاکم صالح می باشد دفتر مقرر است پرونده برگشمارگی در اجرای ماده 92، 267 قانون اخیر الذکر امروز به نظر دادستان محترم برسد در صورت موافقت دادستان محترم به طرفین ابلاغ پس از مضي مدت قانونی و قطعیت قرار از آمار کسر و بایگانی شود. در صورت اعتراض به قرار از سوی شاکی جهت رسیدگی با حفظ بدل به مرجع صالح ارسال گردد. پرونده در خصوص سایر عناوین اتهامی و سایر متهمین مفتوح و در مرحله تحقیقات می باشد. پس از صدور قرار نهایی، پرونده به نظر قاضی محترم اظهار نظر رسیده که با تنظیم کیفرخواست به شرح زیر به دادگاههای انقلاب اسلامی اصفهان ارسال شده که به شعبه اول ارجاع شده است.

(کیفرخواست)

1- آقای سید صالح میرهاشمی بلطاقی فرزند سید کاظم مشهور به سن 1365/12/12 سال شغل آزاد شماره ملی 1292058455 شماره شناسنامه تابعیت ایرانی مذهب شیعه متأهل محل اقامت اصفهان دارای سابقه محکومیت موثر کیفری بازداشت با قرار بازداشت موقت از تاریخ 1401/8/27

متهم است به: 1- سردستگی گروه مجرمانه (محاربه افساد فی الارض و بغی) (در حادثه تروریستی مورخ 1401/8/25 واقع در خانه اصفهان متهم سید صالح میرهاشم طی تماس با سایر اعضا گروه اقدام به هماهنگی با سایرین جهت شرکت در میدان می نماید و در میدان حضوری فعال داشته است و دست به اقدامات خرابکارانه زده است) (محاربه افساد فی الارض و بغی با این توضیح که در گروهی که وی تشکیل داده است و هماهنگی نموده اتفاقات به شرح آتی رخ داده است سردستگی در محاربه کشیدن سلاح به قصد جان مردم و ارباب آنها در (دو فقره الف) حادثه تروریستی مورخ 1401/8/25 واقع در میدان نهبانی محله خانه اصفهان که منجر به شهادت 3 نفر از نیروهای محافظ امنیت و زخمی شدن تعداد دیگری از آنها شده است و ب) حضور در اغتشاشات مورخ 10 مهر در منطقه صنعتی شاپور جدید اصفهان به همراه متهمین دیگر مجید کاظمی و سعید یعقوبی و تیراندازی بوسیله نامبردگان بنا

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارك شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْدُلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

بر اقرار صورت گرفته (صفحه 395 پرونده سردستگی در افساد فی الارض) جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد که موجب اخلاص شدید در نظم عمومی کشور و ناامنی گردیده است. سردستگی در بغی) وی با تشکیل گروه مسلحانه و استفاده از سلاح به قصد مقابله با اساس نظام جمهوری اسلامی اقدام به قیام مسلحانه نموده است لازم به ذکر است که وی نیز در میدان نگهداری خانه اصفهان حامل یک قبضه سلاح کلت کمری بوده است گرچه نامبرده منکر می باشد اما با توجه به اظهارات سایر متهمین و اقرار خود وی مبنی بر داشتن یک قبضه سلاح کلت کمری که پس از حادثه روی داده طبق مدارک موجود اسلحه از محل جاساز خود خارج شده است و بوسیله یکی از بستگان نامبرده پنهان شده که طی گزارش و تحقیقات ضابطین این موضوع مشخص شده است و حتی وی در پیامکهای موجود اعلام نموده است که سلاح مربوطه را از محل مخفی آن خارج نمایند که متأسفانه تاکنون سلاح مذکور کشف نشده است و ترغیب و تحریک افراد به ارتکاب جرم و تسهیل آن به گونه ای که متهم مجید کاظمی اقدام به تیراندازی به مأمورین و شهادت سه تن از نیروهای حافظ امنیت گردیده است 2- محاربه از طریق کشیدن سلاح کلت کمری در میدان به شرح ذکر شده 3- تشکیل و اداره دسته جات و گروه مجرمانه به قصد بر هم زدن امنیت کشور (در حادثه تروریستی مورخ 1401/8/25 واقع در خانه اصفهان متهم سید صالح میرهاشم طی تماس با سایر اعضا گروه اقدام به هماهنگی با سایرین جهت شرکت در میدان می نماید. 4- اجتماع و تبانی منتهی به جرایم ضد امنیت داخلی 5- عضویت و همکاری با گروهک منافقین موضوع ماده 499 قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب 1375 که نامبرده صراحتاً اقرار نموده است.

2- آقای مجید کاظمی شیخ شبانی فرزند سید محمد رضا مشهور به سن 1371/3/18 سال شغل آزاد شماره ملی 1271173204 شماره شناسنامه تابعیت ایرانی مذهب شیعه مجرد محل اقامت اصفهان فاقد سابقه محکومیت موثر کیفری بازداشت با قرار بازداشت موقت از تاریخ 1401/9/1 متهم است به 1- محاربه (از طریق کشیدن سلاح به قصد جان مردم و ارباب آنها در دو فقره الف) حادثه تروریستی مورخ 1401/8/25 واقع در میدان نگهداری محله خانه اصفهان که منجر به شهادت 3 نفر از نیروهای محافظ امنیت و زخمی شدن تعداد دیگری از آنها شده است و ب) حضور در اغتشاشات مورخ 10 مهر در منطقه صنعتی شاپور جدید اصفهان به همراه متهمین دیگر سید صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی و تیراندازی بوسیله وی در محل 2- افساد فی الارض (از طریق جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد که موجب اخلاص شدید در نظم عمومی کشور و ناامنی گردیده است 3- بغی با این توضیح که وی با عضویت در گروه مسلحانه و استفاده از سلاح به قصد مقابله با اساس نظام جمهوری اسلامی اقدام به

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

قیام مسلحانه در تاریخ 1401/8/25 و 1401/7/10 نموده است و منتهی به شهادت سه تن از نیروهای حافظ امنیت به نام های الف- شهید اسماعیل چراغی ریزی فرزند احمد ب- شهید محسن حمیدی فرزند اصغر ج- شهید محمد حسین کریمی دلپایانی فرزند حسینعلی شده است. 4- عضویت در دسته جات و جمعیت غیر قانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور 5- اجتماع و تبانی منتهی به جرایم ضد امنیت داخلی

3- آقای سعید یعقوبی فرزند کرملی مشهور به سن 1364/4/10 سال شغل آزاد شماره ملی 1292180201 شماره شناسنامه تابعیت ایرانی مذهب شیعه مجرد محل اقامت اصفهان دارای سابقه محکومیت موثر کیفری بازداشت با قرار بازداشت موقت از تاریخ 1401/8/27 متهم است به 1- محاربه بدین توضیح که در حادثه تروریستی مورخ 1401/8/25 وی اقدام به کشیدن اسلحه و استفاده از کلت کمری به سمت مأمورین و مردم نموده است. 2- بغی با این توضیح که وی با عضویت در گروه مسلحانه و استفاده از سلاح به قصد مقابله با اساس نظام جمهوری اسلامی اقدام به قیام مسلحانه کشیدن سلاح به قصد جان مردم و ارباب آنها (در دو فقره الف) حادثه تروریستی مورخ 1401/8/25 واقع در میدان نگهبانی محله خانه اصفهان که منجر به شهادت 3 نفر از نیروهای محافظ امنیت و زخمی شدن تعداد دیگری از آنها شده است و ب) حضور در اغتشاشات مورخ 10 مهر در منطقه صنعتی شاپور جدید اصفهان به همراه متهمین دیگر مجید کاظمی و سید صالح میرهاشمی و تیراندازی در محل 3- عضویت در دسته جات غیر قانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور 4- اجتماع و تبانی منتهی به جرایم ضد امنیت داخلی 4- آقای سهیل جهانگیری فرزند عبدالحسین مشهور به سن 1380/9/29 سال شغل آزاد شماره ملی 1273646290 شماره شناسنامه تابعیت ایرانی مذهب شیعه مجرد محل اقامت اصفهان فاقد سابقه محکومیت موثر کیفری بازداشت با قرار بازداشت موقت از تاریخ 1401/8/27 متهم است به 1- بغی با این توضیح که وی با عضویت در گروه مسلحانه به قصد مقابله با اساس نظام جمهوری اسلامی که دیگر اعضای گروه آقایان سید مجید کاظمی و سید صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی اقدام به قیام مسلحانه در تاریخ 1401/8/25 نموده اند که در این اقدام و بوسیله یکی از اعضا گروه سه تن از مأمورین امنیت به شهادت رسیده اند 2- عضویت در دسته جات غیر قانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور 3- اجتماع و تبانی منتهی به جرایم ضد امنیت داخلی 4- معاونت در محاربه 5- آقای امیر نصر آزادانی فرزند محمد مشهور به سن 1374/11/18 سال شغل آزاد شماره ملی 1272105601 شماره شناسنامه تابعیت ایرانی مذهب شیعه مجرد محل اقامت اصفهان فاقد سابقه محکومیت موثر کیفری بازداشت با قرار بازداشت موقت از تاریخ 1401/8/27 متهم است به 1- بغی با این توضیح که وی با

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

عضویت در گروه مسلحانه به قصد مقابله با اساس نظام جمهوری اسلامی که دیگر اعضای گروه آقایان سید مجید کاظمی و سید صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی اقدام به قیام مسلحانه در تاریخ 1401/8/25 نموده اند که در این اقدام و بوسیله یکی از اعضا گروه سه تن از مأمورین امنیت به شهادت رسیده اند 2- عضویت در دسته جات غیر قانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور 3- اجتماع و تبانی منتهی به جرایم ضد امنیت 4- آقای سید جابر میرهاشمی بلطاقی فرزند سید هاشم مشهور به سن 1373/2/ 19 سال شغل ازاد شماره ملی 1271668297 شماره شناسنامه تابعیت ایرانی مذهب شیعه مجرد محل اقامت اصفهان فاقد سابقه محکومیت موثر کیفری ازاد با قرار وثیقه 500 میلیون تومانی متهم است به 1- عضویت در دسته جات غیر قانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور 2- اجتماع و تبانی منتهی به جرایم ضد امنیت داخلی (نامبرده در شب حادثه و در میدان حضور داشته است)

با توجه به دلایل:

اقرار صریح تمامی متهمین: که متهم 1- سید صالح میرهاشمی در صفحات 19 الی 22 و 461 الی 466 پرونده در حضور بازپرس نحوه هماهنگی با سایر متهمین که توسط خود وی صورت گرفته است و نحوه حضور در محل را با جزئیات و با دستخط خود بیان می نماید و صفحات مربوط به اظهارات و 2- اقرار متهم سید مجید کاظمی در حضور بازپرس صفحات 97 الی 99 و 445 الی 447 و 472 و 473 پرونده که متهم با دست خط خود به ذکر جزئیات و نحوه حضور و شلیک به شهدا با ذکر جزئیات بیان نموده است و صفحات مربوط به اظهارات و 3- اقرار متهم امیر نصر آزادانی در حضور بازپرس صفحات 34 و 33 و 469 و 470 پرونده و صفحات مربوط به 4- متهم سهیل جهانگیری در حضور بازپرس صفحات 45 الی 47 و 483 الی 485 پرونده و صفحات مربوط به اظهارات و اقرار 5- متهم سعید یعقوبی در حضور بازپرس صفحات 64 و 65 و 479 الی 480 پرونده و صفحات مربوط به اظهارات و اقرار متهم 6- متهم سید جابر میرهاشمی در حضور بازپرس صفحات 81 و 82 و 476 و 477 پرونده و صفحات مربوط به اظهارات و اقرار متهم با دستخط خود متهمین و دفاعیات بلاوجه برخی از نامبردگان 2- اظهارات شهود و مطلعین حادثه تروریستی در صفحات 193 الی 215 پرونده 3- گزارش پزشکی قانونی و بیان علت فوت شهدا و شرح معاینه جسد در صفحات 448 الی 453 پرونده و گزارش پزشکی قانونی مبنی بر اینکه تمامی متهمین دارای قوه تشخیص و تمیز هستند در صفحات 521 الی 529 پرونده 4- گزارش کارشناس سلاح و مهمات و تأیید این موضوع که تمامی شهدا بوسیله تیر سلاح کلاش به شهادت رسیده اند در صفحات 454 الی 459 پرونده 5- صورتجلسه بازسازی صحنه جرم و حضور متهمین در تیراندازی صورت گرفته در محل حادثه در صفحات 493 الی 498 پرونده

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارك شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

که فیلم بازسازی صحنه نیز پیوست شده است. 6- مستندات و ادله دیجیتالی موضوع مربوط به قبل و بعد از حادثه از جمله فیلم اخذ شده از متهم مجید کاظمی که در یک کافه بعد از اقدام تروریستی اقدام به ضبط فیلم می نماید و به بزه اقرار می کند و هم چنین پیامک های خارج شده از گوشی متهمین در صفحات 282 الی 297 پرونده 7- صورتجلسه دستگیری متهمین و صورتجلسه کشف دو سلاح کلاش و کلت کمربندی و مهمات از متهم مجید کاظمی و اقرار سید صالح میرهاشمی مبنی بر داشتن کلت کمربندی که بوسیله یکی از بستگان از محل خارج شده است. 8- سایر قرائن و امارات موجود در پرونده به استناد مواد 279 الی 288 و 126 و 130 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 و مواد 499 و 610 قانون مجازات اسلامی مصوب 1375 تعزیرات درخواست صدور حکم مجازات نامبرده می شود. تاریخ وقوع بزه های مذکور 1401/8/25 و محل آن شهرستان اصفهان می باشد. پرونده شخصیت متهمین پیوست شده است و برای تمامی متهمین وکلای تبصره ماده 48 قانون آئین دادرسی کیفری مصوب 1392 با توجه به درخواست متهمین تعیین شده است. ضمناً برای متهمین فوق تقاضای اشد مجازات و اجرای مجازات در ملاء عام تقاضا می گردد. پس از صدور کیفرخواست و ارجاع پرونده به شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان دادگاه موصوف پس از اقدامات پیرامونی موضوع پرونده از جمله تهیه گزارشی از روند رسیدگی به پرونده و بررسی موضوع وکلای متهمین پرونده و استماع اظهارات شکایت و اولیاء دم پرونده که در این قضیه (اغتشاشات مورخ 1401/8/25 فلکه نگهبانی و سایر اماکن دیگر شهرستان اصفهان) دچار آلام روحی و روانی به جهت از دست دادن فرزند ایشان شده و ایضاً خسارات مالی و جانی (صدمات بدنی ایجاد شده) در دادگاه حضور یافته اند، در نهایت جلسه دادرسی را تشکیل داده که در این جلسه نماینده دادستان بدو با قرائت مفاد کیفرخواست، مطالب خود را عنوان کرده و برابر مفاد کیفرخواست تقاضای اشد مجازات را برای آنها تقاضا نموده است و اولیاء دم تقاضای قصاص کرده (برادر شهید) و تعدادی هم اعلام رضایت نموده اند که دادگاه اتهامات متهمین را تفهیم نموده که نامبردگان با قبول اتهامات همان مطالب معنون را تکرار کرده اند که چون سوال و جواب و صورتجلسه مطول است رجوع به صفحات آن (ص 829 لغایت 858) داده می شود. سپس دادگاه ختم دادرسی را اعلام و مبادرت به صدور رأی تحت شماره 5441 مورخ 1401/10/17 به شرح زیر نموده است

((گردشکار دادگاه))

پرونده کلاسه 140109920006336385 شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان اصفهان تصمیم نهایی شماره 140109390012715441

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

شاکی: دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان اصفهان – رئیس دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان مرکز استان متهمین:

1- آقای سید صالح میرهاشمی بلطاقی فرزند سید کاظم با وکالت آقای عبدالله دلاوری فرزند ماشاله به نشانی: اصفهان- هتل پل- مجتمع کوثر- فاز 1 ط- دوم واحد 416 آقای امیر نصر آزادانی فرزند محمد با وکالت آقای محمود یوسفی فرزند مصطفی به نشانی اصفهان دروازه شیراز ابتدای هزار جریب ساختمان فراز ط 4 واحد 28

2- آقای مجید کاظمی شیخ شبانی فرزند سید محمد رضا با وکالت آقای مهرداد عطاپور و آقای امین شیریان و آقای مسعود رجبی سیاه بومی فرزند مصطفی به نشانی اصفهان خیابان چهارباغ بالا مجتمع کوثر فاز 2 طبقه 6 واحد 825

3- آقای سعید یعقوبی کردسلفی فرزند کر معلی با وکالت آقای محمد رضا انصافداران فرزند درویش به نشانی اصفهان خیابان کاشانی مجتمع معین

4- آقای سهیل جهانگیری فرزند عبدالحسین با وکالت آقای بهروز صادقی در میانی فرزند اکبر به نشانی: اصفهان شیخ بهایی بین مهرگان و اصفهان کلینیک ساختمان ایزدی طبقه 3 واحد

5- آقای امیر نصر آزادانی فرزند محمد با وکالت آقای مهدی نصر اصفهانی به نشانی اصفهان خیابان شیخ صدوق شمالی نبش کاخ سعادت آباد ساختمان وکلا طبقه اول

6- آقای سید جابر میرهاشمی بلطاقی فرزند سید هاشم با وکالت خانم اعظم محمدی فرزند رضا به نشانی اصفهان خ جی کوچه شماره 41 پ 36 و آقای امیرحسین کرمانی حبیب آبادی فرزند مرتضی به نشانی اصفهان خیابان چهارباغ بالا جنب خیابان کاخ سعادت آباد غربی مجتمع تجاری اداری اوسان ط سوم واحد 312

اتهام ها: 1- محاربه و افساد فی الارض (از طریق کشیدن سلاح کلت کمری)

2- محاربه و افساد فی الارض (از طریق جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد که موجب اخلاص شدید در نظم عمومی کشور و ناامنی گردیده است)

3- محاربه و افساد فی الارض (بغی)

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

4- اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی/ خارجی

5- تشکیل دسته یا جمعیت با هدف بر هم زدن امنیت کشور

6- محاربه و افساد فی الارض (سرکردگی گروه مجرمانه)

7- عضویت در جمعیت های معارض کشور (همکاری با گروهک منافقین)

بتاریخ 1401/10/17 در وقت مقرر جلسه شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان به تصدی امضاکنندگان ذیل تشکیل و پرونده کلاسه 101250 ش 1 شعبه اول تحت نظر ، دادگاه پس از بررسی اوراق و محتویات پرونده و استماع مدافعات متهمین و وکلای محترم ایشان، ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خداوند قادر متعال و با تکیه بر وجدان و شرف بشرح ذیل مبادرت بصدور رأی مینماید:
(رأی دادگاه))

درخصوص اتهام آقایان: 1- سیدصالح میرهاشمی بلطاقی فرزندسیدکاظم ایرانی باشماره ملی 1292058455 متولد 1365/12/12 متاهل باسواد ،شیعه اهل و ساکن اصفهان شغل آزادداری سابقه کیفری بازداشت به لحاظ صدور قرار بازداشت موقت از تاریخ 1401/8/27 با وکالت تسخیری آقای عبدالله دلآوری دایربر: 1- محاربه از طریق تیراندازی با سلاح گرم کلت کمري در معابر عمومی که موجب ناامنی گردیده 2-تشکیل و اداره دسته و گروه مجرمانه به قصد بر هم زدن امنیت داخلی کشور 3-اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضدامنیت داخلی 4-عضویت و همکاری با گروهک منافقین 2- سید مجیدکاظمی شیخ شبانی فرزندسیدمحمدرضا ایرانی با شماره ملی 1271173204 متولد 1371/3/18 شیعه مجرد باسواد اهل و ساکن اصفهان شغل آزاد فاقد سابقه کیفری موثر بازداشت به لحاظ صدور قرار بازداشت موقت از تاریخ 1401/9/1 با وکالت تسخیری آقای مسعود رجبی سیاه بومی دایر بر: 1- محاربه از طریق تیراندازی با سلاح گرم کلاشینکف در معابر عمومی که موجب ناامنی گردیده در دوفقره: { الف -حضور در اغتشاشات مورخ ده مهر در منطقه صنعتی شاپور جدید اصفهان ب-حادثه تروریستی مورخ 1401/8/25 در فلکه ننگهبانی خانه اصفهان {؛ 2-اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی 3-عضویت در دسته جات و جمعیت غیر قانونی به قصد بر هم زدن امنیت کشور 3- سعید یعقوبی کرد سفلی فرزند کرملی ایرانی با شماره ملی 129218020 متولد 1364/4/10 شیعه، مجرد، باسواد اهل و ساکن اصفهان شغل آزاد فاقد سابقه کیفری موثر بازداشت به لحاظ صدور قرار بازداشت موقت از تاریخ 14101/8/27 با وکالت تعیینی

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

آقای محمد رضا انصافداران دایر بر: 1- محاربه از طریق تیراندازی با سلاح گرم کلت کمربند معابر عمومی که موجب ناامنی گردیده 2- عضویت در دسته جات و جمعیت غیر قانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور 3- اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی 4- امیرنصرآزادانی فرزند محمد، ایرانی متولد 1374/11/18، شیعه، مجرد، اهل و ساکن اصفهان شغل آزاد فاقد سابقه کیفری موثر با شماره ملی 1272105601 بازداشت به لحاظ صدور قرار بازداشت موقت از تاریخ 1401/8/27 با وکالت تعیینی آقای مهدی نصر اصفهانی دایر بر: 1- اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی 2- عضویت در دسته جات و جمعیت غیر قانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور 3- معاونت در محاربه 5- سهیل جهانگیری فرزند عبدالحسین ایرانی به شماره ملی 1273646290 متولد 1380/9/29 مجرد باسواد شیعه اهل و ساکن اصفهان شغل آزاد فاقد سابقه کیفری موثر بازداشت به لحاظ صدور قرار بازداشت موقت از تاریخ 1401/8/27 با وکالت تعیینی آقای بهروز صادقی در میانی دایر بر: اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی : بدین توضیح که در تاریخ 1401/8/25 در پی فراخوان معاندین و گروهک منافقین مبنی بر اغتشاش و شورش سراسری در تاریخ های 24 و 25 و 26 آبان ماه و سازماندهی و فراخوان گروههای اراندل و اوباش مسلح به قصد به آشوب کشیدن و ایجاد ناامنی در مناطق شهری در محله نگهبانی خانه اصفهان، اغتشاشگران شرکت کرده و در پی تیراندازی تعدادی از ایشان با سلاح گرم منجر به شهادت سه نفر از مامورین حافظ امنیت (1- شهید سرهنگ اسماعیل چراغی ریزی فرزند احمد؛ 2- بسیجی شهید محسن حیدری فرزند اصغر و 3- بسیجی شهید محمد حسین کرمی دلپایانی فرزند حسینعلی) گردیده و در پی شناسایی افرادی که تیراندازی به سمت مامورین داشته اند ضابطین قضائی با بررسی اطلاعات وسیع و سریع و به موقع و کسب دستور از معاون محترم دادستان عمومی و انقلاب شهرستان اصفهان اقدام به شناسایی عوامل تیراندازی و اغتشاشات نموده که نتیجتاً تعدادی از این عوامل دستگیر می گردند و اظهارات و اطلاعات متهمین در چندین مرتبه در تاریخ های مختلف توسط سازمان اطلاعات سپاه صاحب الزمان (عج) استان اصفهان و نزد بازپرس محترم اخذ گردیده، که اهم اظهارات ارائه شده ایشان در رابطه با اغتشاشات و درگیری مسلحانه بدین شرح می باشد: متهم سید صالح میر هاشمی در نزد ضابطین قضائی اظهار داشته است: من با امیر نصر آزادانی که با مهدی مشایخی آمد کویر ورزانه آشنا شدم و سعید یعقوبی نیز بچه محل ما می باشد که یک شب با هم رفتیم برای کوکتل مولوتف درست کردن و شب حادثه در زمین کناری قرض الحسنه ایستاده بود، مهدی مشایخی از اقوام می باشد و با ایشان رفت و آمد خانوادگی داریم و فرهاد قضاوتی نیز از اقوام بوده و شب حادثه دیدم که ایشان در حال شعار دادن می باشد و شعار مرگ بر دیکتاتور و ... می داد و استوری ضد حکومت نیز می گذاشت

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

و يك مرتبه به وحید میر افضلی در خصوص ارتباط با منافقین به ایشان گفتم که چگونه ارتباط دارم و ایشان هم می‌گفتند که از گروه منافقین فاصله بگیر و همچنین ایشان با من در خصوص آتش زدن و سوزاندن حوزه علمیه لیمجیر مخالفت می‌کرد که این کارها را نکنم و من در تلگرام با واسطه خودمان به منافقین پیام می‌دادم که شرایط به چه صورت می‌باشد (ص 9). در خصوص سید مجید کاظمی باید بگویم که من از طریق سعید یعقوبی با ایشان آشنا شدم و به من گفت يك اسلحه کلاش خریدم در شب حادثه چفیه بسته بود با اسلحه به همراه یک نفر دیگر شروع به تیراندازی کرد و بعد سعید زنگ زد به گوشی من و مجید کاظمی گوشی را گرفت و گفت حلال کن من دارم میرم و سید مجید بین ماشین ها که حرکت می‌کردند تیر می‌زد و کلاً دیگر ندیدمش (ص 10). در رابطه با ارتباط خود با گروهک منافقین اظهار می‌دارد: که یک پیج به نام بی‌باک به من پیام داد که حاضر به همکاری با ما هستید و حدود برج هفت بود که این اتفاق افتاد و من هم چندین محل را برای اطلاع منافقین شناسایی کردم و ارسال کردم از جمله حوزه علمیه لیمجیر، پایگاه سپاه در خانه اصفهان و پایگاه بسیج برازنده که از طریق تلگرام ارسال نمودم و به آنها اعلام کردم که مسلح هستم که البته اشتباه کردم (ص 11)؛ در خصوص ساخت کوکتل مولوتف نیز باید بگویم که در يك اصطبل که به همراه مجید و سعید بودیم اقدام به ساخت کوکتل می‌کردیم و از طریق منافقین به ما گفته بودند حاضرید جایی را آتش بزنید و عکس کوکتل مولوتف های ساخته شده را برای منافقین فرستادیم که اگر مشکلی در طراحی و ساخت آنها و طرز کار آنها داشته باشد به ما بگویند تا برطرف شود که گفتند مشکلی ندارد و قابل استفاده می‌باشد (ص 12). در خصوص تهیه سلاح کلت کمری نیز اظهار می‌دارد: سال قبل (1400) در کردستان اسلحه کلت کمری را به همراه تعدادی تیر تهیه کرده‌ام و يك سال است که دارمش و به خاطر کدورت و دعوایی که داشتم به قیمت 8 میلیون و سیصد هزار تومان بایک خشاب اضافه خریداری کردم (ص 13). در خصوص شرکت در اغتشاشات 25 آبان باید بگویم که ظهر همان روز تو باغ مهدی موبایلی بودیم و قرار شد در اغتشاشات شرکت کنیم، مهدی زنگ زد به بچه‌ها و خودشون من هم به سعید یعقوبی و سید مجید و میثم پلیس، محسن زاقول زنگ زدیم که میثم و محسن نیامدند و با مهدی موبایلی با یک پراید نوک مدادی چهار تا لاستیک دم زمین حسن نفتی برداشتیم و رفتیم سمت فلکه نگهبانی خانه اصفهان و لاستیکها را انداختیم وسط خیابان و شروع به شعار دادن کردیم و بعد از چند دقیقه بچه‌ها شروع کردن به ترقه زدن که مأمورین با وینچستر تیراندازی می‌کردند و بعد از ساچمه خوردن فرار کردم و با رفقایم رفتیم سمت خونه عمه‌ام و سپس عمو مهدی آمد دنبالم و به خانه خودش رفتیم چهار تا ساچمه را در آورد و سپس به طرف منزل مهدی مشایخی رفتیم و خوابیدیم که فردای آن روز عمومیم ماشین آورد و می‌خواستیم فرار کنیم که در جاده میمه دستگیر شدیم (ص 16). در ادامه متهم سید

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

صالح میر هاشمی در شعبه محترم بازپرسی اظهار می‌دارد: من تا به حال به طرف مردم سلاح نکشیدم ولی سلاح کلت کمری دارم که از کردستان خریداری کرده‌ام ولی تا به حال از آن استفاده نکردم و یک سال است آن را خریداری کرده‌ام در روز حادثه من در باغ نشسته بودم به همراه مهدی موبایلی که به ما سرکوفت می‌زد چرا اصفهان قیام نکرده اید؟؟ و مشروب خورده بودیم و گفتیم برویم؛ به سعید یعقوبی، محسن کیقبادی و میثم مزروعی گفتم بیایند دم نگیانی و نام محل را من همینطوری گفتم و دم زمین حسن نفتی بودم که مهدی با پراید با دو سرنشین که آنها را نمی‌شناسم آمدند و من چهره خود را در شب حادثه با دستمال یزدی و مهدی و همراهان هم پوشانده بودند و من در محل مهدی موبایلی و سعید یعقوبی را دیدم که آنجا ایستاده‌اند و سهیل جهانگیری هم در آن مکان بود و اسلحه نداشت و مجید کاظمی با اسلحه کلاش از زمین بغل قرض الحسنه وارد خیابان شد و شروع کرد به تیراندازی که ما در ابتدا گوش‌هایمان را گرفتیم و دیدیم دارد به سمت جلو حرکت می‌کند و تیراندازی می‌کند که رفتم بغلش و گفتم نکن یک نفر هم از پشت از دم خیابان شروع کرد چند تا تیر با کلت تیراندازی کرد و دیگر هیچ کدام را ندیدم و ندیدم که مجید چند تا تیر زد و شخصی که همراه مجید بود و با کلت شلیک کرد همزمان با هم شروع کردند و به هوای پشتیبانی هم، آنجا بودند و فقط مجید کلاش داشت یک نفر دیگر هم یک کلت داشت که همزمان شروع کردند به تیراندازی، مأمورین به سمت ما آمدند و من هم فرار کردم و به سمت خانه عمه ام رفتم و بعد از آن مهدی مشایخی زنگ زد به منزل ایشان رفتیم و قرار بود برویم شمال که در میمه دستگیر شدم و من نمی‌دانم مجید کاظمی اسلحه را از چه کسی تهیه کرده بود ولی حدود ۴ ماهی بود که اسلحه را داشت و نوق می‌کرد (ص ۱۹-۲۲). مجدداً از ایشان در سازمان اطلاعات سپاه بازجویی می‌شود که اظهار می‌دارد: موقعی که ما رسیدیم به اغتشاشات و تجمعات سعید یعقوبی گفت مجید کاظمی داره میاد، تا ما او مدیم از پیاده‌رو بریم از سمت چپ من شروع کرد به تیراندازی کردن با اسلحه کلاش و پشت سرش کسیکه سرو کله اش مثل بهزاد یعقوبی بود شروع کرد به تیراندازی کردن با کلت و از پشت دیوار هم در هنگام فرار سعید یعقوبی شروع کرد تیر زدن با کلت که ما فرار کردیم باید بگویم سعید از قبل همیشه مسلح می‌تابید و با کلت می‌بود و افرادی که من برای اغتشاشات تماس گرفتم سعید یعقوبی بود، میثم پلیس که نیامد محسن ذاقول نیامد به سهیل زنگ زدم به امیر نصر هم زنگ زدم. مجید همیشه می‌گفت برویم یک جا شلوغ کنیم من با کلاش می‌گیرم بهشون. مجید مدتی قبل از حادثه مذکور برای درگیری مسلحانه با مأمورین و کشتن آنها برنامه‌ریزی کرده بود. با منافقین در رابطه با سلاح حرف زدم و گفتم ما آماده‌ایم و گفت حاضرین امشب بیرون بریزید و جایی را آتش بزنید که گفتم بله و برای آتش زدن من سه جا را معرفی کردم بهشون. گفتم حوزه علمیه لیمجیر و پایگاه خانه اصفهان - پایگاه بسیج که فیلم از خانه اصفهان فرستادم و بهشون

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

گفتم ما يك تیم مسلح پنج نفره تشکیل دادیم (ص ۳۹۸) همچنین بهشون گفتم از نظر مالی و پشتیبانی هیچ احتیاجی به کسی نداریم و ما هر چیزی بخواهیم تأمین می‌کنیم. یک کلاش برای مجید ، دو تا کلت هم هست برای سعید و من ، که داریم. در خصوص امیر نصر آزادانی در کویر ورزنه با ایشان آشنا شدم به او گفتم به جایی وصلي؟! گفت نه . گفت شما؟! گفتم نه بچه‌ها دارن یه کارهایی می‌کنن با هام تماس بگیر(ص ۳۹۷). مجدداً متهم سیدصالح میر هاشمی در تاریخ 1401/07/09 اظهار می‌دارد : سال قبل یک کلت حمید لره از کردستان برایم خرید یک کلت ترک با دو خشاب و یازده تا تیر بود که خریدم و سعید اول با من تماس گرفت و سعید یعقوبی با مجید تماس گرفت مجید کاظمی می‌خواست به هر نحوی که بشه از وقتی که کلاش را خریده بود یکی را با تیر بزند و اسم خود را ببرد جزو گنده لاتهای شهر و برایش فرقی نمی‌کرد کی باشد(ص ۴۰۳) متهم در نزد بازپرس محترم اظهار می‌دارد : در باغ فرشاد قضواتی بودیم که مهدی موبایلی شروع کرد به جو دادن که زنگ بزنید تا بریم امشب که یهو گوشیش زنگ خورد گفت خیابان مطهری شلوغ شده است و گفت صالح زنگ بزن بچه‌ها و من به امیر نصر زنگ زدم . بعد به مجید زنگ زدم و سپس مهدی شروع کرد به زنگ زدن و من به سعید یعقوبی زنگ زدم گفتم امشب هستی ؟ گفت آره، بعد گوشی مهدی زنگ خورد که مطهری دارد تمام می‌شود چرا نمایین و راه افتادیم در حال رفتن بودیم که مهدی گفت لاستیک می‌خواهیم گفتم خونه سهیل فکر کنم باشد . زنگ زدم سهیل ؛گفت آره دادا لاستیک هست!!!! و مهدی با یک ماشین نوک مدادی با دو نفر رفتن اونجا و لاستیک ها را برداشتند آوردند و لاستیک ها را وسط خیابان خالی کردند ؛ هر کاری کردیم آتش نگررفت. وقتی رسیدم آنجا حدود ۲۰ الی ۳۰ نفر اونجا بودند که من تعجب کردم و بعد امیر نصر با نصف گونی ترقه آمد و به بقیه داد و مهدی هم از یکی از اونها که از مطهری اومده بودن گرفت و تقسیم کرد و شروع به شعار دادن کردند و هر کاری کردند لاستیک ها روشن نشد؛ در همین حین که درگیری بود سعید یعقوبی کنار قرض الحسنه ایستاده بود گفت مجید داره میاد و گفتم سعید نمی‌شه ، اومدم تو خیابون به بچه‌ها بگم بریم ، از سمت چپ من يك مرتبه سید مجید کاظمی شروع کرد به تیراندازی کردن که من با شلیک دو تا تیر اول گوشم را گرفتم ،وقتی برگشتم مجید داشت رو به جلو حرکت می‌کرد و تیر می‌زد و تا رسیدم بهش گفتم مجید نکن در بهدر مون می‌کنی!!!! يك نفر از پشت که چفیه بسته بود شروع کرد به تیر زدن با اسلحه کلت و ما اومدیم تو پیاده رو و فرار کردیم به زمین حسن نفتی و بعد از آن فرار کردیم و در خانه بودیم که همان موقع سعید یعقوبی به من زنگ زد و گوشی را مجید کاظمی گرفت وگفت :تعریف کن برای گنده‌های شهرتون که چیکار کردم؟؟؟ حلال کن خداحافظ ؛ و مهدی مشایخی زنگ زد گفت ما با هم هستیم ، من هم آنجا رفتم که در اخبار گفت دو نفر بسیجی به دست عوامل تروریستی کشته شدند. که من به زنگ گفتم مجید این کار رو کرد و سعید

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

آورد شون و فردای آن روز سهیل دستگیر شده بود . من هم قصد داشتم بروم که موفق نشدم. من جابر را ندیدمش ولی سهیل بهم گفت زنگ زدم دادا جابر بیادش و در رابطه با کلت باید بگویم آن شب کلت همراه من نبوده و من دست خالی بودم در خصوص ارتباط با منافقین باید بگویم که به میثم جویبار اواسط برج ۷ گفتم چند تا کانال به من بگو گوشی من رو گرفت ۳ تا کانال آورد به اسم‌های شاهین لو، قهرمانان نمی‌میرند و مجاهدین آزاد که در کانال مجاهدین آزاد عضو شدم که بعد از چند وقتی آقای در پی وی پیام داد که حضری هر کاری بکنی که به آزادی برسیم و یکی از شرط‌هاشون فیلم گرفتن از خودم بود که خودم را کانون شورش معرفی کنم که البته من این کار را نکردم . بعد گفت از کارهای کوچک شروع کنید مثل بنر آتش زدن و من سه جا را برایشان فیلم گرفتم و فرستادم و گفتم ما خودمان اسلحه داریم که البته برای این بود که ببینم چه می‌گویند و گفتم از نظر مالی شخصی را به ما معرفی کند که دیگر ارتباط قطع شد.(ص 465) در خصوص اغتشاشات شاپور باید بگویم که مجید از همون تو گونی که همراهش بود یک تیر هوایی زد و آمدیم اسلحه و گونی را به داداش بزرگترش حسین داد و منو گذاشت کافه و رفتند و سعید یعقوبی اکثر روزها اسلحه به کمر داشت که تو تابستون بهش می‌گفتم مسخره ات نمی‌کنند توی این گرما بادگیر داری و می‌گفت اساس پیشمه!!! (ص 466) متهم سید صالح میر هاشمی در صورتجلسه بازسازی صحنه جرم. اظهار می‌دارد: موقعی که رسیدیم هنوز آتش روشن نکرده بودند و به سهیل زنگ زدیم گفتم لاستیک دارید گفت بله . مهدی با ماشین رفت خانه سهیل ۴ تا لاستیک آورد و امیر نصر خودش را رساند و گونی ترقه‌ها را برداشت و در جمعیت پخش کرد و سپس از موتور های پارک شده بنزین کشید و روی لاستیک‌ها ریخت اما روشن نشد و دوباره امیر نصر از موتور‌ها بنزین کشید و روی لاستیک‌ها ریخت که این بار لاستیک‌ها روشن شدند و امیر نصر با موتور رفت یک دوری زد و آمد و گفت مأمورها دارند می‌آیند و سعید یعقوبی را در زمین خاکی دیدم و سعید به من گفت نروید مجید داره می‌آید که من گفتم مجید می‌خواهد عزای مرا بگیرد؟؟؟؟!!! و می‌خواستم برگردم که مجید را دیدم شروع به تیر زدن کرد و من گوشم را گرفتم و رفتم و سید مجید کاظمی نیز به سمت تقاطع حرکت کرد و با نشانه گیری شروع به تیراندازی به سمت مأمورین کرد و تک تیر، تیر اندازی می‌کرد و یک نفر هم با کلت شروع به تیراندازی کرد که حتی نزدیک بود امیر نصر را با کلت بزند و چند ساچمه هم فکر کنم رد شده و یک ساچمه به صورتش برخورد کرد و سهیل جهانگیری با دو نفر دیگر فرار کردند و مجید همچنان تیراندازی می‌کرد. متهم در جلسه رسیدگی در خصوص اظهارات قبلی خودش آن‌ها را منکر شده و اظهارات جدیدی را بیان کرده و تقریباً تمام صحبت های قبلی خودش را انکار کرده و صحبت های جدید را مطرح می‌نماید از جمله اینکه : قرار شد برویم فلکه نگهبانی وقتی رسیدیم امیر نصر با یک گونی ترقه رسید و به همه ترقه داد و مهدی

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارك شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

موبایلی هم لاستیک ها را ریخته بود وسط خیابان . امیر نصر طبق گفته خودش بنزین آورده بود و گفت خیابان نوبهار هم شلوغ شده و لاستیک آتش زده اند . حتی به من گفتم که رفیقت (مهدی موبایلی) را گمان کردم بسیجی است . من سمت قرض الحسنه بودم . ماموران سمت راست فلکه بودند . بار سوم که ماموران آمدند سمت کله پاچه فروشی بودند . سعید به شانه من زد که صبر کن مجید اینها دارند می آیند و بعد که آمد شروع کرد به تیراندازی (مجید) . اول هوایی زد . من ترسیدم و به او گفتم مجید تیر نزن . با کلت شلیک می کرد . یک نفر هم شبیه بهزاد یعقوبی شروع کرد به تیراندازی . ما ترسیده بودیم . مامورین هم ساچمه ای تیراندازی می کردند به سمت زمینهای حسن نفتی رفتیم و فرار کردیم . در حال فرار بودیم که گفتند مامورین دارند می آیند با سهیل به خانه سهیل رفتیم . بعد از حادثه عمویم دنبالم آمده احمد فروزنده تماس گرفت بیا باغ محمد آرام فامیل هایت اینجا هستند؛ همان لحظه مهدی مشایخی تماس گرفت . من قبل از رفتن اسلحه را زیرین موتور گذاشتم و رفتم . متهم در آخرین دفاع اظهار می دارد : من با سعید با هم به شاپور رفتیم از طرف صحرای عاشق آباد وقتی رسیدیم همه چیز تمام شده بود امیر هم آنجا بود و یکی دو موبایل دستش بود . من ترک موتور مجید کاظمی نشستم . ماموران میخواستند بیایند آنجا مجید گونی را برداشت و من گوشی سعید را برداشتم . به قرآن من ندیدم مجید شلیک کند ولی از صدای شلیک ترسیده بودم . سعید هم پشت سر ما ایستاده بود که همان لحظه مجید گفت خوب است همین جا تیر را بگیرم به آنها یعنی به سمت ماموران که حدود ۱۰ موتور بودند و ماشین آبپاش؛ قصد فرار از طرف چپ را داشتم که موتور جام کرد . بعد با سرعت فرار کردم برادر مجید یعنی حسین آمد، درب منزل آنها رفته بودیم و اسلحه را از مجید گرفت ، سلاح کلاش که در گونی بود . من خیلی ترسیده بودم و آنجا به مجید گفتم تیر نزن . بعد از ظهر سعید با مجید تماس گرفته بود که بیایید امشب کاری بکنیم!! همان شب سعید تماس گرفت با من که سید مجید میگوید بیا امشب کاری صورت دهیم!! من هیچ دروغی ندارم . آن شب با سعید تماس گرفتم گفتم من دم نگهبانی هستم تو هم می آیی؟ گفت چه خبر است؟ گفتم بچه ها جمع شده اند . گفت باشد می آیم آنجا؛ دیدم دم قرض الحسنه ایستاده بود . حتی آمد زد سر شانه من گفت صالح نرو مجید دارد می آید!!!! در صحرای ورزانه مهدی مشایخی شروع کرد به حرف زدن درباره استوری های امیر نصر که او یکی از پر و پا قرص های اعتراضات است و ساچمه هم خورده است، حتی مادرم هم از او پرسید که ساچمه خورده ای؟ گفت بلی و جای ساچمه را روی پایش نشان داد!! . امیر نصر فقط ترقه دادن به دختر را راست گفت . آنجا که گفت رفتم به خانه خودمان من آنروز با امیر تماس گرفتم گفت : حاجی با ۳-۴ نفر اینجا نشسته ایم و حدود ۳۰ ترقه درست کرده ایم . می خواهیم برویم مطهری . امیر نصر از راه رسید با یک گونی ترقه . دیدم که او گونی ترقه را آورد نشست و توزیع کرد بین همه . حتی درشت ها را به من داد و گفت

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

اینها را خودت بزن. محمدرضا از راه رسید و ترقه ها را به او دادم چون از ترقه بدم می آید. حتی در عروسی ها هم نمی زدم. همه ترقه ها را می زدند خیابان را بسته بودند امیر نصر گفت همه چفیه بسته بودند و کسی را نمی شناخته. پس چطور مرا شناخت؟ او که از سمت نو بهار آمده بود و همه محله را خوب می شناخت. بعد از حادثه مهدی زنگ زد برویم خانه آنها. رفتم خانه خودمان قلیان را برداشتم اسلحه را زیر زین موتور گذاشتم بعد رفتم. مظلومیت نمایی امیر نصر باعث شد همه چیز را بگویم. او خودش عکس ترقه ها را نشان من داد: اظهارات آقای سید مجید کاظمی متهم در بازپرسی اظهار می دارد: سعید یعقوبی با من تماس گرفت که نگهبانی شلوغ است و سوار موتور شدم اسلحه کلاش خود را داخل گونی گذاشتم و در راه بودم که سعید یعقوبی مجدداً با من تماس گرفت بیا مردم با مأمورها درگیر شده اند. زمانی که رسیدیم مأمورها با گاز اشک آور مردم را متفرق می کردند و من در همین حین ۵ عدد تیر هوایی زدم و با موتور فرار کردم و من با سعید یعقوبی فرار کردم و با هم رفتیم غذا خوردیم و در حالت عادی نبودم که از من فیلم برداری کرد و بعد از آن رفتم تهران و پس از دو روز به اصفهان برگشتم که دستگیر شدم موقعی که من به نگهبانی رسیدم سعید یعقوبی با کلت بود و بقیه هم چفیه بسته بودند. صالح میرهاشمی هم فرار کرد. صالح و سعید و سید جابر در زمین فوتبال در حال فرار بودند. من در دست صالح سلاح ندیدم (ص ۹۸). مجدداً مجید کاظمی در سازمان اطلاعات سپاه به تاریخ 1401/9/1 اظهار می دارد سعید یعقوبی با من تماس گرفت که نگهبانی شلوغ است و گفت بیا نگهبانی، من سوار موتور شدم و اسلحه کلاش خود را داخل گونی گذاشتم در حرکت بودم که مجدداً سعید یعقوبی با من تماس گرفت. گفت بیا و من با کلاش ۵ عدد تیر هوایی زدم و فرار کردم سعید یعقوبی با ماشین پژو پارس به دنبال من آمد و من را سوار کرد و رفتیم شام خوردیم و رفتیم ترمینال بلیت گرفتم و بعدش با سعید یعقوبی رفتیم درب خانه ما. من لباس بر داشتم و برگشتم و موقع کشیدن قلیان آن اظهارات را من گفتم که حال خوب نبود و سعید یعقوبی از من فیلم گرفت و سعید یعقوبی هم یک عدد کلت ترک مشکی دسته پلاستیکی داشت، که در ماشین سلاح خود را به من نشان داد و گفت گیر کرده و من دیدم که فشنگ هایش تمام شده است و تمام فشنگ هایش را شلیک کرده است و سعید یعقوبی به مسلح بودن من مطلع بوده است (ص 1۸۹-1۸۶). مجدداً متهم سید مجید کاظمی در تاریخ ۱۴۰۱/۹/۳ اظهار می دارد: سعید یعقوبی با من تماس گرفت و گفت امشب نگهبانی شلوغ است و در حال فرار بود که من ۳-۴ عدد تیر هوایی زدم و رفتم به خانه و بعد سعید یعقوبی دنبال من آمد و رفتیم شام خوردیم و بعد از یکی از دوستانم که پول طلب کار بودم رفتم گرفتم با سعید رفتیم ترمینال کاوه و به تهران رفتم و بعد از دو روز برگشتم و در جاده فرودگاه دستگیر شدم و با کوثر دختر خاله مادرم تماس گرفتم و سعید یعقوبی به دنبال من آمد یک عدد اسلحه ترک مشکی داشت که نشان من داد

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا آلَهُوَيَ أَنْ تَغْدُلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

هیچ تیری نداشت و سعید گفت اسلحه من خراب است و سعید سلاحش گیر کرده بود و او فشنگ‌های سلاحش را زده بود (ص 193). متهم در نزد بازپرس محترم اظهار داشته است: آقای سعید یعقوبی با من تماس گرفت و گفت بیا امشب نگهبانی شلوغ است در خیابان نوبهار میانی دوباره سعید یعقوبی با من تماس گرفت و گفت بیا ما با مأمورها درگیر شدیم و من هم از طرف زمین فوتبال به سمت آنها رفتم که مأمورها شروع به تیراندازی به سمت مردم کردند و من هم با اسلحه کلاش شروع به تیر هوایی زدن کردم و مأمورها به سمت ما گاز اشک‌آور زدند و من هم سوار موتور شدم و فرار کردم و من در آنجا با اسلحه کلاش خود به سمت مأمورین تیراندازی هوایی و زمینی کردم. در تیراندازی من سعید یعقوبی با کلت خود به سمت مأمورین تیراندازی کرده است، اسلحه من از اول روی تک تیر بود و من دو عدد خشاب عوض کردم خشاب اول کامل خالی کردم خشاب دوم 25 عدد تیر داشت و کامل زدم و بعد از آن به سمت موتورم فرار کردم و من در حالت عادی نبودم که سعید یعقوبی از من فیلم گرفت و بعد هم با سعید به ترمینال رفتیم و از یکی از دوستانم که طلبکار بودم پول گرفتم و مهدی کاظمی داداشم است (ص 446). ما پشیمانیم و هیچ دفاعی ندارم. به قرآن سوگند هر شب تا ساعت 8/5 شب سر کار بودم. من گروهک منافقین و عضویت را قبول ندارم و تازه داشتم کارگاه خود را جابجا می‌کردم. اشتباه کردم. نه به کسی زنگ زدم. نه کاری کردم. آنجا محله سعید یعقوبی و سید صالح میرهاشمی بود و همه اتهامات را گردن من انداختند. من نه خودم و نه خانواده ام عضو منافقین نبوده‌ام. سلاح کلاشینکف از من بوده در روستای خودمان شکار می‌کردم و از گوسفندان مراقبت می‌کردم. متهم در جلسه رسیدگی دادگاه اظهار می‌دارد: من فقط اشتباه کردم که پس از تماس سعید یعقوبی به فلکه نگهبانی رفتم. تا ساعت 8/5 شب سرکار بودم. شب حادثه هم حتی مادرم مانع شد که بیرون بروم. من پشیمانم که 3 خانواده را عزادار کردیم. تماسهای من هست. سعید یعقوبی با من تماس گرفت که فلکه نگهبانی می‌خواهند آشوب کنند و همه هم مسلح هستند. کلت مشکی از سعید یعقوبی بود. گفت سید این کلت گیر کرده درحالی که وقتی چک کردم تیرهایش تمام شده بود. بعد کلت را به من داد و من ابتدا گردن گرفتم که از من است اما بعداً خود سعید اقرار کرده که از او است و واقعیت همین است. من می‌گویم تیر زدم اما به سمت کسی نرفتم. با سلاح من کسی شهید نشده است. مگر فقط یک کلاشینکف در ایران است. بله قبول دارم. همین که با کلاش تیر هوایی زدم. فقط این را قبول دارم. متهم سید مجید کاظمی در جلسه رسیدگی علنی این دادگاه اظهار می‌دارد: من همینجا به قرآن قسم می‌خورم که هیچ مشکل جسمی و روحی ندارم. فقط تحت تأثیر دروغ‌های شبکه‌های مجازی قرار گرفتم. از مردم هم خواهش می‌کنم فریب نخورند. آنها فقط جوانان ساده مثل من رو گول می‌زنند و مردم دنبال حرف‌های بی‌پایه و اساس دروغ و بدون سند و مدرک نروند. من در منجلاب گیر کرده‌ام

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارك شهر - ساختمان كاخ دادگستري - ديوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

و هیچ راهی به بیرون ندارم . قدر آزادی را بدانند . من الان پشیمانم . مرا ببخشید. اظهارات متهم سعید یعقوبی که اظهار داشته مسعود بلوچی فرزند اکبر؛سید مجید کاظمی را فراری داد البته صورتش را بسته بود و تا به حال چند مرتبه تیراندازی کرده است و مجید بیش از دو خشاب فشنگ کلاش به سمت مأمورین تیراندازی کرد و چهار مأمور را کشت و زخمی کرد و مسعود بلوچی یک مرتبه به طرف شخصی به نام احمد تیراندازی کرد و فرار کرد و بعد چند وقت قبل رفت محله بهرام آباد تیراندازی کرد و در خیابان ملت هم تیراندازی کرده است (ص ۵۱) متهم سعید یعقوبی اظهار می دارد که یک مرتبه با مجید کاظمی در خصوص خرید اسلحه اقدام کردم چرا که مجید کاظمی از من سلاح می خواست من هم به ایشان کمک کردم و یک سلاح کلت کمری خریدم و با آقای مهدی صالحی از جوی آباد در خصوص خرید اسلحه در ارتباط بودیم و من نقش واسطه در خصوص تهیه سلاح داشتم (ص ۵۳) و من در آن شب به خاطر اینکه شناسایی نشوم ماسک زده بودم . صالح به من زنگ زد گفت بیا اینجا من هم رفتم و در آنجا سهیل و هومن و مجید و صالح را دیدم که مجید تیراندازی می کرد (ص ۵۴) و من با مجید به خاطر اینکه قصد خرید سلاح کلت کمری داشت از طریق فضای مجازی عکس برای ایشان فرستاده و ارسال می کردم و از مهدی صالحی اسلحه تهیه کرده بود (ص ۵۶) من خودم فقط یک سلاح شکاری وینچستر خریداری کرده ام و سال ۹۶ از مهدی صالحی خریداری کردم و در سال ۹۹ به محسن سرلک شلیک کردم که دستگیر شدم و اسلحه را تحویل دادم (ص ۵۷) . در ادامه آقای سعید یعقوبی اظهار می دارند من آدم دم خونه مجید زنگ زد به من گفت بیا قلمستان من هم رفتم و سپس برادرش آمد و رفتیم ترمینال و گفت من آب از سرم گذشته و از ایران میروم و در راه ترمینال از یک خانه ۲۰ میلیون پول گرفت و گفت که با این ۲۰ میلیون که دادم ۶۰ میلیون می شود (ص ۵۷) و بعد از اینکه از برادرش جدا شدم با ۱۱۰ تماس گرفتم (ص ۵۹) و از او پرسیدم سلاح کجاست گفت جایش خوبه و من قصد داشتم به محلات یا باغ بهادران بروم که دستگیر شدم (ص ۵۸) و مجید به من گفت که من تفنگ کلاش گرفتم به سمت مردم و نزدیک دو خشاب به سمت مردم و مأمورین خالی کردم و افرادی که آنجا بودند سهیل جهانگیری و صالح میرهاشمی و مجید کاظمی و چند نفر دیگر که من نمی شناسم ، مجید بعد از تیراندازی توسط شخصی به نام مسعود بلوچی فرار کرد و مسعود بلوچی مجید را از صحنه دور می کند . با موتورسیکلت دور کرد (ص ۵۹) متهم سعید یعقوبی در نزد بازپرس اظهار می دارد : من در محل اغتشاشات بودم ولی اسلحه نداشتم و شعار ندادم و مجید کاظمی کلاش داشت و به سمت مأمورین تیراندازی کرد . من خانه بودم که صالح زنگم زد گفت بیا نگهبانی و موقعی که رسیدم اغتشاش شروع شده بود. آنجا صالح بود سهیل بود و بعد از ۱۰ دقیقه نیز مجید کاظمی آمد و به محض رسیدن همان موقع مأمورین تیراندازی کردند و مجید هم شروع کرد به تیراندازی و من

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارك شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

فقط مجید را دیدم تیراندازی می‌کند و ۴ نفر دیگر که چفیه بسته بودند سلاح کلت در دست داشتند (ص ۶۵). مجدداً متهم سعید یعقوبی در تاریخ 1401/9/3 در سازمان اطلاعات سپاه اظهار می‌دارد: مجید کاظمی از زمین خاکی کنار قرض‌الحسنه آمد بیرون و من جلوی قرض‌الحسنه ایستاده بودم. مجید کلاش در دستش بود همین که من آمدم نزدیک بشم و بهش بگم این چیه مأمورین تیراندازی کردند که مجید هم دوید سمت خیابان و به صورت تک تیر تیراندازی می‌کرد و مجید یک کاپشن مشکی پوشیده بود و من فرار کردم و ندیدم که چند تیر زد و گفتند مسعود بلوچی مجید را فراری داده که در مرحله شلیک اول حدود ۴ یا ۵ تیر تک زد به سمت مأمورین. صورتش را با چفیه بسته بود و بعد از شلیک دوتیر نتوانست سلاح را کنترل کند و کلاش را گذاشت رو سقف یک خودرو و شروع کرد به تیراندازی که بیش از ۵ الی ۶ دقیقه در حال تیراندازی بود و همچنین یک نفر بود که چفیه بسته بود و مهدی برادر مجید بود که مهدی کاظمی به سمت مأمورین تیر شلیک می‌کردند و باید بگویم که من پیامی در خصوص اغتشاشات برای حسین کاظمی برادر سید مجید کاظمی فرستادم که ایشان هم پیام داد باید یک تیم مسلح درست کنیم. من قصد داشتم برای مجید کاظمی سلاح کلت کمری خریداری کنم و چند تا عکس هم برای ایشان فرستادم ولی من برای ایشان سلاح خریداری نکرده‌ام و ایشان دنبال اسلحه کلاش بود در پایان بازجویی سعید یعقوبی اظهار می‌دارد که من با سلاح کلت در اغتشاش فلکه نگهبانی تیراندازی کردم و تعداد آن یادم نیست و سلاح نیز از خودم می‌باشد (ص ۳۰۳) متهم سعید یعقوبی در نزد بازپرس محترم اظهار می‌دارند: من در منزل بودم صالح تماس گرفت بیا سرفلکه نگهبانی وقتی رسیدم اغتشاش شروع شده بود و به مجید زنگ زدم ۱۰ دقیقه بعد از زمین خاکی کنار بانک بیرون آمد و کلاش در دست داشت که تا آمدم بهش نزدیک بشوم بگم این چیه مأمورین تیراندازی کردند و مجید دوید سمت خیابان ۲ تا تیر تکی زد. نتوانست سلاح را کنترل کند که گذاشت روی سقف یک خودرو و شروع کرد به تیراندازی که من فرار کردم و بعد زنگ زد به من، رفتیم قلمستان شام گرفتیم گفت بریم رهنان که نرفتم و به سمت فرودگاه رفتیم در یک اصطبل آنجا ماندیم. سپس به سمت خیابان امام خمینی رفتیم و گفت بریم از یکی پول بگیرم و گفت من یک کم تیر کلاش بگیرم فردا شب چند تا دیگرشون را می‌زنم من آب از سرم گذشته. من قانعش کردم که برود و رفت ترمینال تا برود تهران و من با برادرش برگشتیم خانه ما که گفت من چند تیر زدم تو چرا نزدی من گفتم سلاح من گیر کرد، شب خوابیدیم صبح رفت وقتی فهمیدم که حادثه دیشب شهید داده ساعت ۱۰ صبح با ۱۱۰ تماس گرفتم و موضوع را توضیح دادم من اصلاً کلت نداشتم تا تیراندازی بکنم (ص ۴۸۰) متهم سعید یعقوبی در مواجهه حضوری اظهار می‌دارد: من کنار دیوار بانک ایستادم و تنها بودم که مجید با من تماس گرفت که کجایی؟ و به او گفتم در فلکه نگهبانی هستم و مأمورین هم آن طرف بودند و سهیل و صالح هم بودند

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

و مجید ناگهان آمد و شروع به تیراندازی نمود و اسلحه را روی سقف یک ماشین گذاشت شروع به تیراندازی کرد و خودم کلت نداشتم و من فرار کردم. متهم سعید یعقوبی در جلسه رسیدگی اظهار می دارد : شب اغتشاش منزل بودم که صالح با من تماس گرفت و از کودکی با صالح دوست بودم مدتی کارگاه رنگ کاری زدیم و او رفت سراغ باشگاه و ازدواج و من به شغل خود ادامه دادم آن شب گفت بیا سر فلکه نگهبانی من هم رفتم در مسیر به مجید زنگ زدم که سر مطهری بود گفتم من به فلکه نگهبانی می روم گفت من هم می آیم محل شلوغ بود ما ایستادیم کنار قرض الحسنه سهیل را دیدم و صالح را دیدم در پیاده رو بودند حدود یک ربع گذشت که مأموران از آن سمت خیابان هجوم آورده اند تیر هوایی زدند و بچه ها به سمت زمین خاکی فرار کردند مجید کاظمی آمد و تیراندازی می کرد و حدود دو سه تیر شلیک کرد بعد آمد و سلاح را روی سقف یک ماشین گذاشت و تیراندازی کرد و پشت سر او هم یک نفر با کلت شلیک می کرد که البته چفیه به صورت داشت. قبول ندارم که اسلحه داشتم و شلیک کردم حتی گفتم ندیدم صالح کلت داشته باشد اما اظهارات دیگرم را قبول دارم. در خصوص سلاح که در گویشیم است باید بگویم من عکس ها را دانلود می کردم و برای اوسید مجید کاظمی می فرستادم حتی یکبار هم مبلغ را به جای ده میلیون چهل میلیون گفتم. اظهارات متهم امیر نصر آزادانی در خصوص آشنایی با صالح اظهار می دارند که در کویر ورزانه با ایشان آشنا شدم و در خصوص کارهایشان به ندرت و کم کم با هم به خاطر اینکه اعتماد نداشتند وارد صحبت شدیم. واسطه من با ایشان مهدی مشایخی بود و صالح فقط می گفت ما داریم کم کم دور هم جمع می شویم و هر کسی به نحوی بتونه کمک کنه حالا يك تعدادی سلاح دارند و تعدادی دیگر با چاقو و این آخرین مکالمه من با صالح بود که در مورد این چیزها صحبت کردیم و دیگه حرفی نزدیم (ص ۲۴) در خصوص مجید کاظمی باید بگویم که اطلاعی از ایشان ندارم و ایشان مسلح به کلاش بوده و به گفته صالح به سمت مأمورین تیراندازی می کند (ص ۲۵) من در اغتشاشات شرکت نکرده ام فقط یک مرتبه که از تمرین برمی گشتم از فلکه نگهبانی صالح میرهاشمی را از نزدیک دیدمش موقعی که شلوغ شد درب خانه ای باز بود فرار کردم و زنگ زدم مادرم آمد دنبالم و من فقط یک شعار مرگ بر دیکتاتور دادم (ص ۲۷). متهم امیر نصر آزادانی در ادامه اظهار می دارد : صالح با من تماس گرفت و گفت امشب ما فلکه ی نگهبانی با بچه ها هستیم و من هم رفتم به خاطر اینکه نزدیک خانه ما می باشد و سر و صدای زیادی می آمد و موقعی که من رسیدم خیلی شلوغ شده بود و بعد من رفتم خانه امیر حسین دوستم با من تماس گرفت گفت ما منزل مشایخی هستیم شما هم بیایید ، تا من رفتم ساعت یک نیمه شب بود ، صالح را آنجا دیدم و در حال قلیون کشیدن بود که گفت همه جام ساچمه خورده و بدنش را به من نشان داد و گفت مجید نامی با اسلحه کلاش شروع کرد به تیراندازی ولی من تیر نزدم. صالح می گفت بچه های ما هم مسلح بودند ولی نمی دانم کسی را

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارك شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

زدند یا نه ولی صالح خودش می گفت من کسی را نزد من و من به غیر از اسم مجید هیچ اسم دیگر از اکیپشان را نمی دانم و بعد از اینکه فهمیدیم سهیل جهانگیری پسر دایی صالح را گرفته اند به من گفتند که باید فرار کنی و در ابتدا می گفتم من کاری نکردم ولی به هر حال راهی شمال شدیم و در دلجان دستگیر شدیم البته صالح به من گفت در اغتشاشات حضور داشته باشم که بتونیم تعدادمون زیاد باشه ولی من کلاً یک بار آمدم که آن هم برای دیدن بوده است ، صالح به من گفت: که یک گروه فعال در کل استان هستند و همه مسلح هستند، و گفت يك بار خوراسگان و چهارباغ بالا جمع شده بودیم (ص ۲۷-۲۹).
متهم امیر نصر آزادنی در نزد بازپرس محترم اظهار می دارد: من اسلحه نداشته ام البته در شب حادثه در محل بودم و صالح میرهاشمی با من تماس گرفت که من ساعت ۸ الی ۹ شب به آن منطقه رسیدم و من فقط یکبار در کویر ورزنه با صالح رو در رو شده بودم و در شب حادثه من کسی را ندیدم و بنده قبول ندارم من اصلاً در جریان نبودم که این افراد سلاح دارند ساعت ۵ عصر بود که صالح به من زنگ زد و قرار شد برویم میدان نگهبانی جمع بشویم و موقعی که من رسیدم آنجا شلوغ بود و لاستیک آتش زده بودند و من هم شعار دادم و من هیچ چیز به محل نبرده بودم و هرچه بود همانجا بود نظیر لاستیک و ترقه و سنگ و ... حتی یکی آنجا ترقه پخش می کرد من هم ۲ تا ازش گرفتم و کنارم یه دختر و دوستش ایستاده بود گفتند به من بده و من هم یکی از آنها را به دختره دادم و بعد از اینکه گاز اشک آور زدند من فرار کردم و همه اینها کذب است که من ترقه و بنزین آوردم. (ص ۴۷۰).
متهم در سازمان اطلاعات سپاه اظهار می دارد: من توسط خانواده آقای مهدی مشایخی با صالح میرهاشمی در کویر ورزنه آشنا شدم یک روز به من زنگ زد و گفت ما می خواهیم برویم فلکه نگهبانی که من گفتم تمرین دارم و موقعی که رسیدم آنجا شلوغ بود و تو زمین خاکی لاستیک و گونی ترقه افتاده بود یک پسر داشت تقسیم می کرد من هم چند تایی تقسیم کردم و موقعی که درگیری شد من فرار کردم و مادرم آمد دنبالم امیرحسین رفیقم با من تماس گرفت و گفت من با زلم آمدم خونه مشایخی من هم رفتم و آنجا دیدم که صالح تیر خورده است و سید صالح گفت مجید رفیقش ترکیه است و من از آنجا اسم مجید را فهمیدم که منظورش مجید کاظمی بود که شلیک کرده بود و گفته بود به ترکیه فرار کرده است (ص ۴۲۲). فردای آن روز من با صالح می خواستم بروم شمال که بزرگترین اشتباه من بوده است چرا که من در محل بودم و فیلم برداری شده بود ترسیده بودم و من هیچ کاری نکرده ام (ص ۴۲۰).
متهم امیر نصر آزادنی در جلسه رسیدگی دادگاه اظهار می دارد: من تصمیم داشتم برای اعتراض به خیابان بروم اما به خاطر مشکلات اقتصادی نه اغتشاش به خاطر وضعیت مالی که بابت مصدومیت من ایجاد شده بود. در خانه که رفتیم به ما گفتند صالح و سهیل ساچمه خورده اند رفتیم پیش صالح و ماجرا را تعریف کرد و گفت مأموران دورمان زدند و مجبور شدیم اسلحه بکشیم من نام مجید را حتی

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

از زبان صالح شنیده‌ام و صالح گفت فقط مجید کلاش داشت و تیر می‌زد گفت به خاطر اینکه بترسانیم و سروصدا ایجاد کنیم بعد گفت مجید به سمت ترکیه فرار کرده است. من اقرار می‌کنم که ترقه زدم همه ترقه را برداشته‌اند و توکیسه که چند ترقه بود برداشتم و کیسه را انداختم حتی یک دختر خانم آنجا بود وقتی ترقه ها را دید گفت به من هم بده و من یک ترقه به او دادم من خودم یکی دو تا ترقه زدم ولی امیر نصر نه توزیع کرده و نه به سمت مأمور ترقه پرتاب کرده و نه تعرض به جان کسی کرده است وقتی گاز اشک‌آور پرتاب شد به طرف زمین خاکی فرار کردم. گفته‌اید که صالح به من گفت می‌خواهیم در فلکه نگهبانی جمع شویم یک گروه فعال در کل استان هستند که مسلح هم هستند و می‌خواهیم در خوراسگان و چهارباغ هم جمع شویم. بله قبول دارم ولی این صحبت‌ها در کویر ورزانه انجام شد خوراسگان را نمی‌دانم مال چه زمانی بود ولی گفت که آن خانم را هم در خوراسگان ملاقات کرده‌اند. بله قبول دارم صالح گفت تعدادی از بچه‌ها هستند که بعضی مسلح هستند بعضی قمه و چاقو دارند اما فضای ذهنی من و ایجاد ارتباط من با صالح اصلاً این‌گونه نبود و نمی‌دانستم دست در دست چه کسی می‌گذارم. اظهارات متهم سهیل جهانگیری در خصوص اغتشاشات پس از دستگیری حدود یک ماه پیش دیدم سعید یعقوبی و صالح با هم صحبت می‌کنند و سعید داشت به صالح می‌گفت باید یک برنامه بریزیم فلکه نگهبانی بریزیم بیرون و بچه‌ها تفنگ هم بیارند که من به صالح گفتم تمام شهر شلوغ است و صالح گفت اینطوری فایده ندارد که هنوز با هم صحبت می‌کردند که من آمدم خانه و حدود یک ماه قبل بود که این صحبت اتفاق افتاد (ص ۳۶). در رابطه با صالح باید بگویم آن شب صالح کوکتل داشت و کوکتل در دست داشت و کوکتل پرتاب می‌کرد و دست ناصرآبادان هم کوکتل دیده بودم که صالح گفت کوکتل ها را تو اصطلب درست می‌کنیم و سعید هم گفت منم کوکتل درست می‌کنم و همچنین سعید گفت فایده ندارد گفت زنگ می‌زنم بچه‌ها تفنگ بیارن و اون شب من فقط دیدم صالح کوکتل دستش بود (ص ۳۷). و در خصوص فرشاد قضواتی باید بگویم که آن شب یک کیف داشت که از آن ترقه در می‌آورد و پرتاب می‌کرد به سمت مأمورین و حدود ساعت ۹/۳۰ شب بود و پاتوق فرشاد که با صالح با هم می‌روند کافه شهرزاد می‌باشد (ص ۳۸). در خصوص شب حادثه باید بگویم موقعی که من رسیدم آنجا از کنار زمین خاکی نزدیک بانک سپه دیدم یک موتوری که روی آن شخصی نشسته بود که یک کلاش دستش بود و سریع با سرعت داشت می‌رفت و همه آن افرادی که داشتن فرار می‌کردند دوست‌های صالح بودند چون رفیق صالح که توی خانه ما بود داشت به صالح می‌گفت همه بچه‌ها فرار کردند بیا سریع برویم و دیدم که یک نفر با اسلحه کلاش و یک نفر هم چسبیده بود به دیوار با کلت شلیک می‌کرد (ص ۴۱-۴۲). متهم سهیل جهانگیری در نزد بازپرس محترم اظهار می‌دارند: بنده تاکنون سلاح نداشته‌ام و استفاده نکرده‌ام و در شب حادثه صالح

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

میرهاشمی به من زنگ زد و من دقیقاً آخر آن شب بعد از باشگاه رفتم و زود هم فرار کردم و بنده صورت خود را به خاطر سردی هوا و حمام که رفته بودم در باشگاه پوشانده بودم من آنجا سعید یعقوبی ، صالح میرهاشمی و فرشاد قضاوتی را دیدم و فردی که تیراندازی می‌کرد چهره‌اش کاملاً پوشیده بود و نشناختم و مجید کاظمی را هم می‌شناسم چون برادرم خانه به مجید کاظمی فروخته است و من ترسیدم فرار کردم و رفته خانه مان که دیدم صالح و یک نفر دیگر دارند میان سمت خانه ما و صالح میرهاشمی زخمی شده بود و صورت او خونی بود با عموی خود محمد میرهاشمی تماس گرفت و آمد دنبالش و آنها را برد البته من خودم در دست صالح اسلحه ندیدم ولی می‌گفتند که صالح کلت در دستش بوده است . بنده یک نفر از آنها را دیدم که کلت داشت ولی می‌گفتند که هر ۴ نفر آنها سلاح داشته‌اند و من در خصوص صالح نمی‌دانم کلت داشته است یا خیر ، متهم سهیل جهانگیری در سازمان اطلاعات سپاه اظهار می‌دارند : زمانی که من به اغتشاشات رسیدم دیدم صالح در حال کوکتل پرتاب کردن به سمت مأمورین بود و صالح به وسیله لاستیک ها خیابان را بسته بود و من دیدم که یک نفر با سلاح کلت تیراندازی می‌کرد یک نفر با سلاح کلاش تا زمان خروج من از اغتشاشات تیراندازی می‌کرد و شخصی که با کلت تیراندازی می‌کرد به دیوار تکیه داده بود یک روز به صالح گفتم این طرف خبری می‌شه گفت خیر خودمون باید درست کنیم منظور من این بود که خودمون باید اغتشاش را درست کنیم (ص 410). در باشگاه بودم که پسر داییم به نام صالح میرهاشمی با بنده تماس گرفت و گفت ما در میدان نگهبانی هستیم و بیا اینجا میدان نگهبانی نزدیکی خانه ما می‌باشد و دیدم خیابان را بند آورده بودند من کنار ایستادم و موقعی که من رسیدم صالح را وسط خیابان دیدم اصلاً سمت او نرفتم و در ادامه مأمورین که آمدن مردم ابتدا فرار کردند که دو نفر اسلحه بدست آمدند و صورتشان را پوشانده بودند یکی از آنها کلاش به دست داشت و دیگری کلت کمربندی و شخصی که کلت داشت چسبیده به دیوار بود و به سمت مأمورین تیراندازی کرد و آن یکی که با کلاش بود رفت کنار یک خودرو و تیراندازی کرد و من فرار کردم و بعد از آن صالح به همراه دو نفر دیگر وارد خانه ما شد و صالح زخمی شده بود و فقط صالح زخمی شده بود و به عموی خودش به نام محمد میرهاشمی تماس گرفت و گفت بیا دنبالم و صالح و رفیقش را بردند و نفر سوم خودش رفته بود بنده عضو هیچ گروهی نیستم (ص ۴۸۵) موقعی که من در محل اغتشاشات رسیدم حدود ۲۰ الی ۳۰ نفر در محل حضور داشتند و صالح وسط خیابان بود و کنارش چند لاستیک وجود داشت و سعید یعقوبی نیز در پیاده رو حضور داشت و از زمین خاکی شخصی کلاش به دست در حال تیراندازی آمد و پیش ماشین پژو ایستاد یک نفر هم با کلت به دیوار چسبیده بود به سمت مأمورین تیراندازی می‌کرد و نمی‌دانم سعید بود یا شخص دیگری چون ترسیده بودم و توجه نکردم (ص ۴۹۴). متهم در جلسه رسیدگی دادگاه اظهار می‌دارند : حدود یک

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارك شهر - ساختمان كاخ دادگستري - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 14020639000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

ماه قبل از حادثه باشگاه بودم. صالح پسر دایی من است که رفت و آمدی با او ندارم کنار باشگاه بنگاه دایی من است که یک روز صالح را آنجا دیدم سعید هم آنجا بود و بعد شنیدم که سعید به صالح می‌گفت اگر این طرف شهر شلوغ کنند بهتر است و بچه‌ها می‌توانند سلاح بیاورند. وقتی مأموران را دیدم فرار کردم ناگهان صدای تیر شنیدم دیدم یک نفر با کلاش و یک نفر با کلت شلیک می‌کند با ترس زیاد فرار کردم. من گفتم فقط دیدم صالح به سعید می‌گفت آن طرف شهر فایده ندارد و البته سعید به صالح می‌گفت این مربوط به یک ماه قبل از اغتشاشات است. همچنین در همین راستا از تعدادی از افرادی که در این حادثه نقش داشته‌اند اظهاراتشان اخذ می‌گردد که آقای مهدی مشایخی اظهار داشته‌اند: صالح میرهاشمی پسر دایی همسر بنده و امیر نصر دوست ایشان و سعید یعقوبی نیز از دوستان ایشان می‌باشد و مجید کاظمی را نمی‌شناسم و من در ساعت مقرر در محل نبوده‌ام و در منزل خواهرم بوده‌ام و من قصد فرار نداشته‌ام و در اغتشاشات شرکت نداشته‌ام به‌خاطر اقوام بودن همسرم با صالح پیگیری کار ایشان را می‌کردم و همچنین در خصوص سلامت سهیل جهانگیری که به منزل خاله همسرم رفته بود که ایشان سلامت هستند برگشتم به طرف خانه خودم و بخاطر اینکه تمام اقوام می‌دانستند که صالح در اغتشاشات شرکت می‌کند همسرم دچار دلهره شده بود. ایشان در اطلاعات سپاه اظهار داشته‌اند: من اصلاً در اغتشاشات نبودم و مشکل از جایی شروع شد که همسرم نگران شد بخاطر این که صالح میرهاشمی و سهیل جهانگیری اقوام ایشان است. و موقعی که آنجا بودیم صالح مواردی را اظهار کرد بدین گونه که: زنده شلیک را با اسلحه کلاش مجید نامی خطاب کرد که به سمت مأمورین شلیک کرده و در تعریفات ایشان (بنده نام های سعید یعقوبی، فرشاد، مجید و سعید) اگر اشتباه نکنم شنیدم و به ایشان قسم دادم شلیک کردید که گفت من شلیک نکردم شاید از ترس همسرم این‌گونه گفت ولی بعد از آن گفت که دیگر فشنگی نبوده و الکی وانمود به شلیک می‌کردیم و از يك كوچه خارج شدیم و به منزل عمه خودشان رسیدند که فرار کردن خودش را این‌گونه تعریف کرد که از طریق گرفتن کلت به طرف مأمورین در حالی که فشنگ آن تمام شده است و به حالتی که نشان از شلیک کردن باشد صورت گرفته و علت آن پایان فشنگها در تیراندازی به سمت مأمورین با کلت بوده است و بعد از اینکه فهمید سهیل جهانگیری دستگیر شده است سیم کارت خود را از گوشی خارج نموده و باتلفن همسرش به چند نفر تماس گرفت و قصد داشتند به طرف شمال بروند و در همین حین که به سمت شمال بودند چندین مرتبه به صالح و امیر نصر تماس گرفتم که جواب نمی‌دادند و من هم به خانواده ایشان گفتم از آنها بی‌خبرم. لازم به ذکر است که صالح میرهاشمی در شب نشینی گفت که سعید یعقوبی دارای سلاح کلت بوده و شلیک نموده است و در منزل دیدم که صالح نشسته و چند گلوله ساچمه‌ای خورده است و متوجه شدم سهیل جهانگیری هم دچار آسیب دیدگی شده است. در همان حال صالح این اظهارات

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارك شهر - ساختمان كاخ دادگستري - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا آلَهُوَيَ أَنْ تَغْدُلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

رادر جمع خانواده انجام داد: نیروهای پلیس چند مرتبه به فلکه آمدند که با ترقه متفرق شدند و مجید نامی اسلحه کلاش داشت و به سمت مأمورین تیراندازی کرده است و گفت سعید یعقوبی اسلحه کلت داشته است و به سمت مأمورین تیراندازی کرده است صالح در جواب من که پرسیدم چگونه فرار کردید گفت بعد از اینکه فشنگ ها تمام شده بود به صورت نمایشی شروع به تکان دادن اسلحه کردیم و وارد یک کوچه شدیم و فرار کردیم و پس از آن امیر نصر شروع به صحبت کرد و گفت که من زمانی از صالح و دیگر بچه ها جدا شدم که یک گاز اشک آور به سمت ما پرتاب شد و من آن را با پایم به سمت يك كوچه هل دادم وقتی به خودم آمدم دیدم كوچه بن بست است يك پيرمرد درب منزل را باز کردند و من داخل منزل شدم. در ادامه مهدی مشایخی اظهار می دارد که صالح موقعی که فهمید سهیل دستگیر شده است گوشی خود را خاموش کرده و با گوشی همسر من به چند نفر تماس گرفت و به من گفت به دایی محمد (محمد میر هاشمی) بگو کلت را از زیر زین موتور بر دارد و موتور را جابجا کند و من وقتی به سراغ محمد میر هاشمی رفتم گفت به صالح بگو نگران نباشد موتور را جابجا کرده اند و فکر کنم گفت موتور را به آغل اسبها برده است. اظهارات شهود تعرفه شده که حکایت از تیراندازی با اسلحه جنگی بوده و رعب و وحشتی که به وجود آورده است نیز اخذ می گردد. احدی از شهود با کد ۳۳ اظهار می دارند: در محل مورد نظر صدای تیر جنگی کلاشینکف شنیده شد و همچنین صدای شلیک اسلحه شکاری هم شنیده شد و بعد از چند دقیقه دیدم دو نفر از برادران بسیجی به زمین افتاده بودند و شهید شدند و سرهنگ چراغی هم تیر خورده بود ایشان را به کلانتری بردیم در آنجا لباس و پوتین را درآوردیم مرمی کلاش را رویت کردم. اظهارات شاهد با کد ۱۰۰: در آن وضعیت به سمت مأمورین سنگ و ترقه و کوکتل پرتاب می کردند و در همین حین يك نفر از پرسنل بسیج شکم خود را گرفت و ما فکر کردیم سنگ خورده است و افتاد بر روی زمین و آن موقع ما هنوز نمی دانستیم تیر جنگی خورده است و احدی دیگر از پرسنل به نام شهید حمیدی از ناحیه سر مورد اصابت قرار گرفت و روی زمین افتاد که مأمورین کمی به عقب نشستند و در همین حین شهید چراغی نیز روی زمین افتاد وی با اسلحه کلاش که به سمت پهلوی راست اصابت کرده و از پهلوی چپ خارج شده بود مجروح شده بود و در کنار بانک مهر اقتصاد بود که همان اسلحه کلاش و اسلحه ۹ میلی متری کشف گردید. اظهارات شاهد با کد ۱۰۱ مأمور نیروی انتظامی که اظهار می دارند: اغتشاشگران اقدام به آتش زدن دو دستگاه موتورسیکلت کرده بودند و دو دسته شده بودند آنهایی که جنب بانک سپه بودن اقدام به پرتاب سنگ، کوکتل مولوتف و بمب های دست ساز که حاوی میخ و تکه های آهن بود به سمت مأمورین انتظامی می کردند که از سمت افراد کنار بانک سپه صدای تیراندازی به سمت مأمورین آمد و دیدم فردی با اسلحه شکاری به سمت مأمورین تیراندازی می کرد و سپس اقدام به تیراندازی با سلاح

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

جنگی به سمت مأمورین کرده و دست یکی از عوامل بسیج مجروح شد و بعد از آن ۱ تیر به قفسه سینه شهید کریمی برخورد کرد و در کمتر از چند ثانیه تیری دیگر به شهید حمیدی اصابت کرد و شهید چراغی نیز روی زمین افتاد و مجروح شدند که ایشان را به کلانتری انتقال دادیم. اظهارات شاهد با کد 546/36 و 34 که ایشان اظهار می‌دارند: ما موقعی متوجه شدیم که تیرها جنگی است که دو تن از رفقایمان شهید شدند و این حادثه بین ۲ تا ۵ دقیقه بود و به دلیل تیراندازی مکرر در صحنه و ترس ایجاد شده و وحشت زیاد مردم و مغازه‌داران به سرعت متواری شدند.

النهایه دادگاه با عنایت به:

1- گزارش سازمان اطلاعات سپاه استان اصفهان مبنی: بر استفاده تعدادی از اغتشاشگران از سلاح های جنگی اعم از سلاح گرم کلت کمربند و کلاشینکف و تیراندازی بوسیله سلاحها به سمت مأمورین حافظ امنیت ویگان ویژه و عوامل بسیج مردمی؛

2- اظهارات و اقراریه متهمین در مراحل مختلف تحقیقات مقدماتی و نزد بازپرس محترم در جلسه علنی رسیدگی این دادگاه؛

3- نحوه دستگیری متهمین پرونده که اکثراً قصد متواری شدن داشته و حتی احدی از ایشان (متهم سید مجید کاظمی سیخ شبانی) قصد فرار به کشور ترکیه را داشته است؛

4- اظهارات شهود و مأمورین نیروی انتظامی که در صحنه وقوع حادثه شرکت داشته اند مبنی بر اینکه: از طرف اغتشاشاتگران به سمت آنها کوکتل مولوتف و ترقه پرتاب میشده و همچنین تیراندازی میشده که منجر به شهادت سه نفر از مدافعان امنیت در صحنه شده است (ص 193 الی 215)؛

5- کشف پوکه های مربوط به اسلحه کلاشینکف و کلت در صحنه وقوع جنایت در تاریخ 1401/8/25؛

6- اظهارات متهمین و مأمورین حاضر در میدان و صحنه حادثه مبنی بر اینکه از سه قبضه اسلحه (یک قبضه کلاشینکف و دو قبضه کلت کمربند) رویت شده و صدای مکرر و پی در پی شلیک شنیده می شده است؛

7- اظهارات متهم سید صالح میر هاشمی در خصوص مخفی کردن سلاح کلت کمربند متعلق به وی در زیر زین موتور سیکلت و توصیه و سفارش به یکی از بستگان که سلاح را از محل اختفاء بر داشته

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

وبه محل دیگری انتقال داده و مخفی نماید تا کشف نشود ؛

8- پیامک های رد و بدل شده منضم در پرونده از طرف آقای سعید یعقوبی با برادر متهم سید مجید کاظمی در خصوص باقی نماندن آثار انگشت بر روی پوکه ها و همچنین عدم امکان پیدا کردن پوکه ها به خاطر کوچک بودن آنها؛

9- توجه به اظهارات سایر متهمین و شواهد و قرائن موجود در پرونده مبنی بر اینکه اغتشاشاگران صورت خود را با چفیه بسته بوده اند و اینکه یکنفر از کنار دیوار قرض الحسنه در حال تیر اندازی بوده که بعضی از متهمین اظهار داشته اند در آن لحظه آقای سعید یعقوبی آنجا مستقر بوده و یک نفر هم با فاصله از اسلحه کلاشینکف که در اختیار سید مجید کاظمی بوده است با کلت کمربندی تیراندازی می کرده بنا به تحقیقات به عمل آمده متعلق به آقای سید صالح میر هاشمی بوده است ؛

10- صورتجلسه کشف یک قبضه سلاح کلاشینکف و یک قبضه کلت کمربندی متعلق به آقایان سید مجید کاظمی و سعید یعقوبی و در خصوص کلت کمربندی که توسط آقای سید صالح میر هاشمی تیر اندازی کرده با توجه به اینکه بوسیله یکی از بستگان از محل خارج شده امکان کشف آن وجود نداشته است؛

11- اظهارات برخی از متهمین و مامورین که اقدامات صورت گرفته باعث رعب و وحشت و ترس مردم و مغازه دارها و فرار آنها از محل شده است؛

12- اظهارات متهمین و شهود که بیانگر مسلح به سلاح گرم بودن سه نفر متهمین به نامهای 1- سید صالح میر هاشمی و 2- سعید یعقوبی و 3- سید مجید کاظمی در زمان وقوع حادثه می باشد ؛

13- اظهارات سید صالح میر هاشمی در جلسه خانوادگی که بعد از وقوع حادثه تشکیل شده مبنی بر اینکه سعید یعقوبی دارای سلاح کلت کمربندی بوده و با آن شلیک هم کرده است؛

13- برگ گزارش معاینه جسد شهدای امنیت که علت تامه فوت را در اثر اصابت جسم پرتابی شتابدار اعلام نموده است؛

14- نتیجه گزارش کارشناس سلاح و مهمات که حکایت از آن دارد که شهدا توسط اسلحه کلاشینکف به شهادت رسیده اند ؛

15- ارائه نظریه های پزشکی قانونی که ضمن معاینه روانپزشکی از کلیه متهمین بیان داشته است : در زمان ارتکاب جنایت همه متهمین قوه تمیز و اراده داشته اند و مسوول اعمال و رفتار خود می

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا آلَهُوَيَ أَنْ تَغْدُلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

باشند که با این اوصاف مشخص می گردد متهمین در زمان وقوع حادثه هوشیار بوده و از قوه تمیز برخوردار بوده اند

16- متن پیامک های ارسالی فی مابین آقای سید صالح میر هاشمی با سرپل گرو هک منافقین منضم در پرونده و تهیه فیلم و ارسال آن؛

17- تطابق اظهارات احدی از شهود پرونده مبني بر آتش زدن دو دستگاه موتور سیکلت با اظهارات متهم سید صالح میر هاشمی در جلسه رسیدگی مبني بر اینکه: متهم امیر نصر آزادانی اقدام به کشیدن بنزین از موتور های پارک شده و آتش زدن موتور ها کرده و همچنین بنزین روی لاستیک های وسط خیابان ریخته که منجر به آتش گرفتن لاستیک ها شده است؛

18- اظهارات ضد و نقیض متهم امیر نصر آزادانی در خصوص نحوه به دست آوردن ترقه ها و تقسیم بین اغتشاشگران و پرتاب آنها به سمت مامورین؛

19- صور تجلسه بازسازی صحنه وقوع جرم و حضور متهمین در تیراندازی صورت گرفته در محل حادثه توسط بازپرس محترم تحقیق و تهیه فیلم و مدارک مورد مشاهده این دادگاه منضم در پرونده؛

20- مستندات و ادله دیجیتالی از جمله فیلم اخذ شده از متهم آقای مجید کاظمی توسط متهم دیگر پرونده سعید یعقوبی که به تیر اندازی به سمت مامورین اقرار داشته و همچنین پیامک های ارسالی فی مابین متهمین و فیلمهای ارسالی از سوی متهم آقای سعید یعقوبی در خصوص خرید سلاح کلت کمري؛

پس بنابراین دادگاه بزه های انتسابی به متهمین موصوف را محرز و مسلم دانسته و به استناد مواد 126-127-160-211-279-282 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 و مواد 498 و 499 و 610 از کتاب پنجم تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب 1375 و با رعایت ماده 12 قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ناظر بر ماده 134 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 از باب تعدد جرم و با توجه به ماده 2 قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب 1399 ناظر بر ماده 18 قانون فوق الذکر به لحاظ نتایج زیان بار جرائم ارتكابی و انگیزه متهمین از ارتكاب جرائم، حکم بر محکومیت متهم ردیف اول آقای سید صالح میر هاشمی بلطایقی فرزند سید کاظم 1- از بابت اتهام محاربه از طریق کشیدن سلاح کلت کمري به اعدام با چوبه دار 2- از بابت اتهام تشکیل و اداره دسته و گروه مجرمانه به قصد برهم زدن امنیت کشور به اعدام با چوبه دار 3- از بابت اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی به تحمل پنج سال حبس تعزیری 4- از بابت عضویت و همکاری با گروهک منافقین به تحمل

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

پنج سال حبس تعزیری و متهم ردیف دوم آقای سید مجید کاظمی 1- از بابت اتهام محاربه از طریق کشیدن سلاح کلاشینکف به اعدام با چوبه دار 2- از بابت اتهام عضویت در دسته جات و جمعیت غیر قانونی به قصد بر هم زدن امنیت به تحمل پنج سال حبس تعزیری 3- از بابت اجتماع وتبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی به تحمل پنج سال حبس تعزیری و متهم ردیف سوم آقای سعید یعقوبی کرد سفلی فرزند کرملی 1- از بابت اتهام محاربه از طریق کشیدن سلاح کلت کمربندی به اعدام با چوبه دار 2- از بابت اتهام عضویت در دسته جات و جمعیت غیر قانونی به قصد بر هم زدن امنیت داخلی به تحمل پنج سال حبس تعزیری 3- از بابت اجتماع وتبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی به تحمل پنج سال حبس تعزیری و متهم ردیف چهارم آقای امیر نصرآزادانی فرزند محمد 1- از بابت اتهام معاونت در محاربه به تحمل شانزده سال حبس تعزیری 2- از بابت اتهام عضویت در دسته جات و جمعیت غیر قانونی به قصد بر هم زدن امنیت داخلی به تحمل پنج سال حبس تعزیری 3- از بابت اجتماع وتبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی به تحمل پنج سال حبس تعزیری و متهم ردیف پنجم آقای سهیل جهانگیری فرزند عبدالحسین به اتهام اجتماع وتبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی به تحمل دو سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی صادر و اعلام مینماید. لازم به ذکر است با توجه به تبعات امنیتی شدید ایجاد شده و جهت فراهم نمودن موجبات احساس امنیت و آرامش عمومی برای مردم اعدام در ملاء عام و ترجیحا در محل شهادت مدافعان امنیت (فلکه نگهبانی خانه اصفهان) اجرا گردد و در خصوص مجازاتهای مقرر برای متهمین فقط مجازات اشد قابل اجرا است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد و یا غیر قابل اجرا شود مجازات اشد بعدی با احتساب ایام بازداشت قبلی اجرا خواهد شد. در خصوص اتهامات دیگر متهم ردیف اول آقای سید صالح میر هاشمی دایر بر سر دستگی گروه مجرمانه (محاربه، افساد فی الارض و بغی) و متهم ردیف دوم آقای سید مجید کاظمی دایر بر افساد فی الارض و بغی و متهم ردیف سوم و چهارم آقایان سعید یعقوبی و امیر نصر آزادانی دایر بر: بغی و متهم ردیف پنجم دایر بر: بغی و عضویت در دسته جات غیر قانونی به قصد بر هم زدن امنیت کشور و معاونت در محاربه و همچنین در خصوص اتهامات آقای سید جابر میر هاشمی فرزند سید هاشم ایرانی با شماره ملی 1271668297 متولد 1373/2/19 با سواد شیعه مجرد شغل آزاد اهل و ساکن اصفهان فاقد سابقه کیفری آزاد با قرار وثیقه با وکالت تعیینی آقای امیر حسین کرمانی و خانم اعظم محمدی دایر بر: 1- عضویت در دسته جات و جمعیت غیر قانونی به قصد بر هم زدن امنیت 2- اجتماع وتبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی با عنایت به اوراق و محتویات پرونده از جمله نحوه اظهارات و دفاعیات و انکار مصرانه متهمین و دفاعیات موثر وکلای محترم ایشان در تمام مراحل رسیدگی و بنابر قاعده ترجیح خطا در عفو بر خطا در کیفر و فقدان دلیل کافی و شرعی و با

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 14020639000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

استظهار از اصل مترقی 37 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تمسک به قاعده درء؛ مستندا به ماده 4 قانون ایین دادرسی کیفری مصوب 1392 و ماده 120 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 حکم بر برائت مشارالیه از عناوین اتهامی ذکر شده صادر و اعلام میگردد. رأی صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ، در خصوص متهمین ردیف اول تا پنجم قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور و در خصوص آقای سید جابر میر هاشمی ظرف بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظر خواهی در محاکم محترم تجدید نظر استان اصفهان میباشد.

پس از صدور رأی و ابلاغ آن متهمین آقایان سید صالح میر هاشمی بلطاقی فرزند سید کاظم با وکالت آقایان محمد مال میر و سید صابر محمدیان، سعید یعقوبی کرسفلی فرزند کرم با وکالت آقای محمد رضا انصافداران مجید کاظمی شیخ شبانی فرزند سید محمد رضا با وکالت آقایان مهرداد عطاپور و امین شیریان و امیر نصر آزادانی فرزند محمد با وکالت مهدی نصر اصفهانی هر یک در خصوص فرجام خواهی از رأی اصداری شماره 5441 مورخ 1401/10/17 صادره از شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان لوایحی مفصل که بعضاً چند نوبت تکرار شده و مطالب معنون نیز بارها در مراحل رسیدگی بیان و استماع گردیده، ارائه نموده اند که مفاد لوایح مذکور به هنگام شور از سوی هیأت شعبه به دقت قرائت و مورد بررسی، تجزیه و تحلیل خواهد شد. النهایه پرونده پس از ارسال به دیوان عالی کشور در دفتر دیوان عالی ثبت و پرونده متشکله جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم به این شعبه ارجاع شده است.

هیأت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش آقای قاسم مزینانی عضو ممیز و ملاحظه اوراق پرونده و نظریه کتبی آقای محمد تقیان دادیار دیوان عالی کشور اجمالاً مبنی بر موافقت با نظر اکثریت شعبه نهم دیوان عالی کشور در خصوص دادنامه شماره 5441 مورخ 1401/10/17 شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی استان اصفهان مشاوره نموده اکثریت چنین رأی می دهد:

رأی اکثریت:

در خصوص فرجام خواهی آقایان 1- سید صالح میر هاشمی بلطاقی فرزند سید کاظم با وکالت آقایان محمد مال میر و سید صابر محمدیان 2- سید مجید کاظمی شیخ شبانی فرزند سید محمد رضا با وکالت آقای مهرداد عطاپور و امین شیریان 3- سعید یعقوبی کرسفلی فرزند کرمعلی با وکالت آقای محمد رضا انصافداران 4- امیر نصر آزادانی فرزند محمد با وکالت آقای مهدی نصر اصفهانی از دادنامه ی شماره 5441 مورخ 1401/10/17 شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی استان اصفهان که بموجب آن

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارك شهر- ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

فرجام خواه ردیف نخست به اتهامات الف) محاربه از طریق تیراندازی با سلاح گرم (کلت کمری) در معابر عمومی ب) تشکیل و اداره دسته و گروه مجرمانه به قصد بر هم زدن امنیت داخلی کشور پ) اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی ت) عضویت و همکاری با گروهک منافقین به جرائم ضد امنیت داخلی بترتیب به دو فقره اعلام با چوبه دار و تحمل پنج سال حبس تعزیری (دو فقره) و فرجام خواه ردیف دوم به اتهام الف) محاربه از طریق کشیدن سلاح کلاشینکف به اعدام با چوبه دار و ب) به اتهام عضویت در دسته جات و جمعیت غیر قانونی به قصد بر هم زدن امنیت به تحمل پنج سال حبس تعزیری و پ) به اتهام اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی به تحمل پنج سال حبس تعزیری و فرجام خواه سوم به اتهامات الف) محاربه از طریق کشیدن سلاح کلت کمری به اعدام با چوبه دار ب) به اتهام عضویت در دسته جات و جمعیت غیر قانونی به قصد بر هم زدن امنیت داخلی به تحمل پنج سال حبس تعزیری پ) به اتهام اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی به تحمل پنج سال حبس تعزیری و فرجام خواه چهارم به اتهامات الف) معاونت در محاربه به تحمل شانزده سال حبس تعزیری ب) اتهام عضویت در دسته جات و جمعیت غیر قانونی به قصد بر هم زدن امنیت داخلی به تحمل پنج سال حبس تعزیری پ) اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی به تحمل پنج سال حبس تعزیری محکوم گردیده اند. نظر به اینکه فرجام خواهان ردیف های اول و دوم و سوم آقایان سید صالح میرهاشمی و سید مجید کاظمی شیخ شبانی و سعید یعقوبی کردسلی از حیث عنوان اتهامی محاربه از طریق تیراندازی با سلاح گرم از نوع سلاح جنگی کلت کمری و کلاشینکف بسوی مأمورین انتظامی و امنیتی منجر به شهادت سه نفر به اسامی آقایان حیدری، چراغی، کرمی گردیده و متهمین فوق الذکر با قصد و نیت براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران سرکردگی اغتشاش و آشوب را بر عهده داشته و از طرف دیگر با سرپل گروهک تروریستی منافقین در خارج از کشور در ارتباط مستقیم بوده اند و از سرپل خط گرفته و مراتب را نیز به دیگران منتقل، و در اغتشاشات اخیر اماکن عمومی را به آتش کشیده و با ساخت کوکتل مولوتف و پرتاب آن به سمت مأمورین و مردم و ایجاد حریق عمدی موجب رعب و وحشت مردم گشته اند و وکلای ایشان نیز اعتراض موجه و مستدلی که توانایی خدشه و نقض دادنامه فرجام خواسته نسبت به یک فقره محکومیت اعدام داشته باشد بعمل نیاورده اند و از جهت رعایت تشریفات دادرسی نیز در این محکومیت اشکال خاصی بنظر نرسیده مستنداً به بند الف ماده 469 قانون آئین دادرسی کیفری مصوب 92 و اصلاحی 94 ضمن رد فرجام خواهی دادنامه فرجام خواسته در این قسمت با حذف عبارت اجرای حکم در ملا عام از دادنامه، تأیید و ابرام می گردد. لکن فرجام خواهی فرجام خواهان فوق الذکر نسبت به محکومیت بیش از یک فقره اعدام و محکومیت های حبس به اتهامات تشکیل و اداره و دسته و گروه مجرمانه به

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارك شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

قصد بر هم زدن امنیت داخلی کشور و اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی و عضویت و همکاری با گروهک منافقین به جرائم ضد امنیت داخلی از آنجا که اقدامات مذکور مقدمات و عناصر شاکله محاربه را تشکیل داده و با احراز محاربه دیگر نمیتوان مجازاتی مستقل و مازاد بر آن تعیین نمود بنابر مراتب مذکور و مستنداً به شق نخست از بند ب ماده 469 قانون مرقوم دادنامه فرجامخواسته در این قسمت نقض بلاارجاع می گردد. و اما فرجام خواهی فرجام خواه ردیف چهارم آقای امیر نصر آزادانی با وکالت آقای مهدی نصر اصفهانی از آن جهت قابل پذیرش است که معلوم نیست متهم اخیر مرتکب چه اعمالی شده است که معاونت در جرم محسوب گردیده ، معاون کدام یک از مباشرین جرم می باشد و وحدت قصد و تقدم یا افتران زمانی بین رفتار متهم و مباشر جرم چگونه احراز گردیده بنابراین مستنداً به شق چهارم از بند ب ماده 469 قانون مذکور دادنامه تجدیدنظرخواسته در این قسمت نقض و پرونده جهت رسیدگی به اتهام فرد اخیرالذکر به دادگاه همعرض دادگاه صادر کننده رأی در محاکم انقلاب اسلامی استان اصفهان ارجاع می گردد. ضمناً در خصوص مجازات اعدام محکومین مذکور در صورت گذشت اولیاء دم و یا انصراف ایشان از مطالبه قصاص و صلاحدید اعضای محترم کمیسیون عفو و بخشودگی قوه قضائیه یک درجه عفو از مجازات اعدام پیشنهاد گردد.

شعبه نهم دیوان عالی کشور

عضو معاون: سید مجید حسینی نیک

عضو معاون: سید ابوالحسن هاشمی

(رأی اقلیت)

با توجه به محتویات پرونده، فرجام خواهی فرجام خواهان ها به ترتیب: 1- سید صالح میرهاشمی بلطاقی فرزند سید کاظم با وکالت آقایان محمد مال میر و سید صابر محمدیان 2- مجید کاظمی شیخ شبانی فرزند سید رضا با وکالت آقای مهرداد عطاپور و آقای امین شیریان 3- سعید یعقوبی کرد سفلی فرزند کرم علی با وکالت آقای محمد رضا انصافداران 4- امیر نصر آزادانی فرزند محمد با وکالت آقای مهدی نصر اصفهانی نسبت به دادنامه شماره 5441 مورخ 1401/10/17 صادره از شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان وارد تشخیص نمی گردد. زیرا با عنایت به: گزارش سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، مستندات موجود در پرونده که شامل عکسها، فیلم ها و پیامک ها و سایر قرائن و امارات می باشد، اقراریه متهمین فرجام خواه به فعالیت همه جانبه در اغتشاشات روز جمعه مورخه ی

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارك شهر- ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

1401/8/25 و درگیری مسلحانه با سلاحهای جنگی کلاشینکف و کلت کمری با مأمورین امنیتی که منجر به شهید شدن 3 نفر به اسامی شهید حیدری، شهید چراغی ریزی و شهید کرمی دلپگانی گردیده است و مهاجمین مسلح عبارتند از 1- سید صالح میرهاشمی مسلح به سلاح کلت کمری که سرکردگی گروه اغتشاشگر و آشوب طلب با قصد و نیت براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را بر عهده داشته و از طرف دیگر با سرپل گروهک تروریستی و کوردل منافقین در ارتباط مستقیم بوده و در خصوص نحوه مبارزه و شناسائی اماکن حساس و ارسال آن برای منافقین از سرپل خط می گرفته و مراتب را نیز به اعضای گروه منتقل می کرده است، وی علاوه بر شرکت در اغتشاشات از ارادل و اوباش بوده و در درگیری های عادی نیز سلاح حمل کرده و تیراندازی هوایی به همراه دوستان دیگرش سعید یعقوبی و مجید کاظمی شیخ شبانی می نموده اند 2- سعید یعقوبی که وی نیز به سلاح کلت مسلح بوده و تیراندازی مستقیم به سمت مأمورین داشته و در اغتشاشات، تحت امر صالح میرهاشمی به فعالیت های گسترده از جمله به آتش کشیدن اماکن و سطل های زباله و مسدود کردن خیابان با لاستیکهای جمع آوری شده توسط سهیل جهانگیری که نامبرده (سعید یعقوبی) و صالح میرهاشمی از منزل سهیل به محل تجمعات آشوب و بلوا برده و به آتش کشیده اند و تحریک و تشویق مردم به سر دادن شعارهای ساختار شکنانه و غیره به شرح گزارش فوق 3- مجید کاظمی شیخ شبان که مسلح به سلاح کلاشینکف بوده و حدود دو خشاب (60 تا 64 فشنگ) گلوله جنگی به طرف مأمورین شلیک مستقیم داشته و تحت امر سرکرده گروه (صالح میرهاشمی) هر اقدامی که به وی دیکته شده را انجام داده و پس از اقدامات تروریستی براندازانه علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، سریعاً با سرگروه به ترمینال کاوه رفته و بلیط برای تهران جهت فرار تهیه کرده است و از هر اقدامی علیه نظام فروگذار ننموده است 4- امیر نصر آزادانی که وی نیز تحت امر سردسته (لیدر) گروه آقای صالح میرهاشمی مأموریت هائی که به وی سپرده شده را انجام داده و حضوری فعال در روز جمعه حادثه ساز (1401/8/25) با سایر اغتشاشگران داشته و نصف گونی بزرگ بمب دست ساز (ترقه) تهیه کرده و به محل اغتشاش برده و علاوه بر اینکه خودش تعدادی از آنها را به سوی مأمورین پرتاب کرده و ترکانده، بین مردم نیز توزیع نموده و آنها نیز بمب های دست ساز را به طرف مأمورین انداخته اند و ترکانده اند، درست کردن کوکتل مولوتف و پرتاب آنها به سوی اماکن دولتی و عمومی از سوی صالح میرهاشمی و غیره، مبانی استدلال دادگاه در رأی صادره که موجب حصول علم نوعی متعارف شده است و اینکه فرجام خواهی وکلای مدافع متهمین به نحوی است که ایراد و اشکال مدلل و موجهی که موجبات نقض دادنامه را فراهم آورده، اقامه و ابراز ننموده اند. فلذا با عنایت به مراتب فوق، ضمن رد فرجام خواهی های مطروحه، دادنامه فرجام خواسته مستنداً به شق الف ماده 469 قانون آئین دادرسی کیفری، ابرام می

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)



دیوان عالی کشور

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شعبه نهم دیوان عالی کشور

دادنامه

شماره دادنامه : 140206390000095188

تاریخ تنظیم : 1402/02/11

شماره بایگانی شعبه : 0101392

گردد. ضمناً به دادگاه صادر کننده رأی تذکر داده می شود که می بایستی در خصوص خسارات مالی ایجاد شده و صدمات بدنی وارده به اشخاص اعم از نیروهای امنیتی، بسیجی و ... و اشخاص حقیقی از جنبه حق الناس اتخاذ تصمیم نماید.

قاسم مزینانی: رئیس شعبه نهم دیوان عالی کشور

امضای صادر کننده

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - ضلع شرقی پارک شهر - ساختمان کاخ دادگستری - دیوان عالی کشور (www.divanealee.ir)